

پاسخ به پرسشهای ایرانیان از  
ابوالحسن بنی صدر

## مشکلهای جوانان با آنها رویارویند

جمعی از دانشجویان دانشگاه ها، در باره چهار مشکل خود  
پرسیده اند:

۱ - دانشجویان بسیار از وضع دانشگاهها ناراضی هستند. میگویند در این دانشگاه ها، حتی درس شبی، همه تئوری است. در دوره کارشناسی ارشد هم هیچ ارتباطی با واقعیت کاربردی این رشته در صنعت نداریم. دانشگاه وصل به صنعت نیست. ما با یک مشت تئوری، فارغ التحصیل می شویم. اما دنیای کار آدمی را که بلد نیست به خود راه نمی دهد.

فراوانند دانشجویهایی که تحصیلاتشان دارد تمام می شود و از این که امکان تجربه کردن اموزخته ها را نداشته و کار آزموده نگشته اند، در اضطرابند زیرا می دانند کار نمی یابند. کتابهای درسی هم به روز نشده اند. شانس بیاریم یک استاد دلسوزی بیایم که پول داشته باشد و مایل به تحقیق باشد و تحقیق کند. استادان اهل تحقیق نیستند. باز اگر شانس بیاریم و آن استاد بیاید و بگوید در کتابهای جدید خارجی چه دانسته جدید آمده است. وگرنه کتابهایی که معرفی می کنند حد اقل ۱۰ سال از عمرشان می گذرد. خوب حالا با این وضعیت درس و بحث در دانشگاه ها، برسر بنیه اقتصاد ما در ۴۰/۳۰ سال آینده چه خواهد آمد؟ در خارج دانشگاهها چکار می کنند؟ آیا دانشگاهها همانند ایران با صنعت ارتباطی ندارند؟ نشان آموزش و پرورش دانشگاهی ما آیا نیاید تغییر کند؟ در خارج، اساتید دانشگاه فرصت مطالعاتی و تحقیق چقدر دارند؟ باید با پول شخصی تحقیق کنند و یا دولت حامی آنها است؟ دانشجویهای فارغ التحصیل مثل من که کم نیستند با این وحشتناک از دنیای کار چکار کنند؟ کار هم که نیست همه به فکر بیرون آمدن از ایرانند.

در صفحه ۲

« ۲۶ خرداد، بمناسبت صد و سی امین

سالگرد تولد دکتر محمد مصدق

زندگینامه دکتر محمد مصدق (۵۲)



جمال صفری

نقش نیروهای انگلیسی در سرکوب جنگلیان

سلطه سلطه گران خارجی در مستعمره ها و کشورهای ضعیف زیر سلطه، بدون طبقه ای مرتجع و عناصر و گروههای خائن ریشه نمی گیرد. بزرگترین ضربه ای که جامعه ملی می خورد، از برخوردار نبودن از حق آگاه شدن و نبود جریان اطلاعات و خور کردن به استبدادهای دیرپا و گرفتاری مردم در بند ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و مذهبی است. طبیعت و نفس حاکمیت این استبدادهای دیرینه و دیرپا بودند و هستند که جامعه ملی را در ضعف نگه داشته و میدارند. زیرا مناسبات و بافتهای فرهنگ کهن بنیادهای استبدادی بازدارنده اصلی توسعه جامعه و بنیادهای مدنی آن است که در برابر ضرورت و خواست تغییر ایستادگی می کنند و باعث از رشد ماندگی جامعه و ممانع روابط و مناسبات همگرا و همگون مسالمت آمیز در بطن جامعه و تعامل و امنیت و آرامش و آسایش مردم و رشد سرمایه های انسانی و اجتماعی میشوند. و این همه زمینه را برای سلطه گران خارجی هموار می سازند. افزون بر این، منافع عناصر و گروههایی که به سرسپردگی و مزدوری بیگانه تن می دهند و عناصر مرتجع و جبار با منافع و توفقات و اهداف سلطه گران خارجی همسویی و همخوانی دارند. چنانکه در جنبش جنگل این عناصر و گروهها از درون به جنبش جنگل ضربه مهلک و کاری زدند و هم اکنون برخی از این عناصر و گروههای سرسپرده ایرانی با وقاحت تمام همان منش و روش را دنبال می کنند که ناقض و نافی آزادی و استقلال و حقوق ملی ایرانیان است. متأسفانه کثیری از نخبگان و گروههای زورپرست سیاسی از تاریخ درس و عبرت نمی گیرند!

در صفحه ۱۱

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۸۰۳ ۱۵ تا ۲۸ خرداد ۱۳۹۱

## بغداد، مسکو و بعد... ؟

◀ پیش و پس از گفتگوهای بغداد و اطلاعات و ضد اطلاعات پیرامون

توافقاتی محرمانه: ص ۳

◀ بیزاری از «ایران مجهز به بمب اتم» و تدارک جنگ برق آسا با «ایران»: ص ۵

◀ ژاله وفا: قانون بودجه ۹۱ نماد واپسین ضربه بر اقتصاد ایران، پیشروی تحریم: ص ۷

◀ حکومت تولید را ریشه کن می کند و بیکاری و گرانی و آسیبهای اجتماعی

تولید می کند: ص ۸

◀ سرنوشت عبرت آموز بانی اول استبداد مطلقه فقیه و دستیاران او: ص ۹

◀ اعدامها روز افزون، دانشجویان و زنان و کارگران قربانیان تجاوزها

به حقوق انسان: ص ۱۰

**انقلاب اسلامی:** گفتگوهای بغداد، بی نتیجه، پایان نیافت. چراکه معلوم شد، بیشتر خبرسازیهایی و مسائل ارتباط جمعی اسرائیل و نیز محافظه کاران جدید امریکا، بقصد به شکست کشاندن گفتگوهای بغداد به عمل آمده اند. بار اول نیست که دستگاه های اطلاعاتی و تبلیغاتی، رژیم خمینی و خامنه ای را واکنش خود گردانده اند. در همان حال، در تهران، گرایشهای مافیائی موجود در رژیم و گردانندگان سپاه، یکدیگر را متهم می کنند. موضوع اتهام اینست: چه کسانی دارند جام زهر را به خامنه ای می نوشانند. اینک که برهنگان مسلم گشته است که سیاست اقتصادی حکومت احمدی نژاد، از میان بردن مقاومت این اقتصاد در برابر تحریم و تجاوز نظامی بوده است، او را متهم می کنند که این بلا را بر سر اقتصاد کشور از آن روی آورده است که خامنه ای ناگزیر شود با امریکا سازش کند. متهم کنندگان از یاد می برند که خامنه ای خود احمدی نژاد را به مردم ایران تحمیل کرده است. او این کار را با تقلب بزرگ و ارتکاب انواع جنایتها، انجام داده است.

در فصل اول این مجموعه، بررسی جامعی از گفتگوهای بغداد، پیش و پس از آن، از راه نقد خبرها و اطلاع ها و نظرها به یکدیگر، بعمل آورده ایم. و چون، در دمام گفتگوهای بغداد و پس از آن، بار دیگر، «جنگ با ایران موضوع روز شد»، فصل دوم را به بررسی خبرها و اطلاع ها و نیز مصوبه های کنگره امریکا و هشدار مدودو و ... اختصاص داده ایم.

در فصل سوم، بررسی بودجه مصوب سال ۹۱ را به قلم ژاله وفا می خوانید و از اثر ویرانگر این بودجه بر اقتصاد مردمی باخته ایران، آگاه می شوید.

در فصل چهارم، سیاست ضد اقتصادی رژیم و اثر آن بر بیکاری و گرانی را به روایت داده ها و توضیح آن از زبان اقتصاددانان را مطالعه می کنیم.

در فصل پنجم، قسمت اول نوشته ای را می آوریم که ما را از سرانجام خانواده هائی آگاه می کند که «روسای» آنها، در استقرار رژیم خیانت و جنایت و فساد نقش داشته اند. این قسمت به خانواده خمینی اختصاص دارد.

در فصل ششم، خبرهای تجاوزهای رژیم به حقوق انسان را از نظر خوانندگان می گذرانیم:

علی شفیعی

اسلام، محل عقده گشائی

روانشناسی دشمنی با اسلام و مسلمانان در غرب (۲)

از جمله واقعیهایی بسیار چشمگیر در علوم اجتماعی و سیاسی این واقعیت بس مهم است: افراد انسانی در هر جامعه ای که زندگی میکنند، غالباً اندیشه ای مستقل از نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه دارند. برای مثال در اکثر جوامعی که نظام استبدادی بر آن حاکم است و حاکمان آن جامعه هیچ اعتناء و اعتباری برای حقوق انسان قائل نیستند، انسانهایی زندگی میکنند دارای اندیشه ای مردمسالار که به حقوق و کرامت همه انسانها احترام میگذارند. عکس این امر نیز وجود دارد. بدینصورت که در کشورهایی با نظام مردمسالار، افرادی نیز زندگی میکنند صاحب اندیشه هائی سخت استبدادی و ویرانگر حقوق و منزلت انسانهای دیگر، و در واقع خودشان. این افراد و یا گروههای سیاسی گرایشهایی سخت ضد مردمسالار و تباه کننده حقوق انسان دارند. اینان از هر فرصتی استفاده میکنند تا نظرات و تمایلات استبدادی و دشمن با انسان را در جامعه خویش به کرسی عمل نشانند. از جمله این گرایشها در زمان کنونی "منتقدین اسلام" و در واقع دشمنان اسلام و مسلمانان در کشورهای غربی هستند.

در صفحه ۱۴

دوستان محترم و خوانندگان این نشریه بصورت چاپی و اینترنتی!  
ما را برای ادامه انتشار نشریه، با کمک مالی خود یاری فرمائید!



## مشکلها که جوانان با آنها رویارویند

دولت استبدادی وابسته، از راه از میان برداشتن ستون پایه های قدرت به یمن تغییر رابطه با قدرت به رابطه با استقلال و آزادی:

۲- هرگاه دانشجویان پرسش کننده در مسئله های چهارگانه تأمل کنند، عاملی را بازخواهند شناخت که در هر چهار مسئله، حضور دارد. در واقع، جوهر آنها را تشکیل می دهد و آن زور است:

● در مسئله اول، تنظیم کننده رابطه استاد و دانشجو، نه دانش که قدرت (= زور) است. نه هم به این دلیل که استاد تحقیق نمی کند و دانشی که تدریس می کند به روز نیست، بنا بر این، وقت خود و دانشجو و سرمایه ای که صرف تدریس و تحصیل می شود را تباه می کند، بیشتر، به این دلیل که محدوده رابطه استاد و دانشجو، محدوده ایست که قدرت (= زور) ساخته است. توضیح این که سلسله مراتب از «رهبر» تا دانشجو، قائم به قدرت است. از این رو، استاد و دانشجو، استقلال و آزادی، بنا بر این، خود انگیختگی خویش را تباه می کنند. زندگی دانشگاهی و بسا تمامی زندگی را نه تجربه که دستور می گردانند. حاصل آن، «افت تحصیلی» است.

● در مسئله دوم، سنتها و آداب و رسوم مانع از برخورداری جوان از استقلال و آزادی و دیگر حقوق خویش، فرآورده های قدرت (= زور) هستند. تنها سنتی که وجدان به حقوق ذاتی و عمل به حقوق است، فراموش شده است بدانند که دانشجویان - چه رسد به دیگر جوانان - راه حل عمومی در دسترس، که وجدان به حقوق ذاتی و زندگی را عمل به این حقوق کردن است را به یاد نیز نمی آورند. آب در کوزه و گرد جهان می گردند.

● و مسئله چهارم، به درون خویش درآوردن قدرت (= زور) و به تخریب خویش گماردن آنست. ترک اعتیاد به مواد مخدر، به رها کردن درون و بیرون از سلطه زور از راه قطع رابطه با قدرت و برقرار کردن رابطه با استقلال و آزادی و دیگر حقوق خویش است.

اما جوانان چگونه بتوانند این مسائل و مسائل دیگر را حل کنند؟:

\* راه کارهایی که می توان پیشنهاد کرد:

راه کارهای پیشنهاد کردنی از دو نوعند: راه کارهایی که هر انسان و هر جمع انسانی می تواند بکار برند و راه کارهایی که جمع انسانها برای تغییر رابطه با قدرت، بنا بر این، با بنیادهای جامعه و مقدم بر همه، دولت، می باید بکار برند:

۱- راه کارهایی که هر انسان و هر جمع انسانی می توانند بکار برند:

۱/۱- شناسایی حقوق ذاتی خویش و بکار بردن این حقوق. دانشجویان پرسش کننده و دیگر خوانندگان حق دارند بگویند: همگان شاید نتوانند تمامی حقوق ذاتی خود را بشناسند تا بکار برند. به آنها خاطر نشان می کنیم که هر گاه یک انسان و یک جمع انسانی تمرین کنند که پندار و گفتار و کردار خود را از زور خالی کنند، دل و عقل و تن آنها، موافق حقوق ذاتی عمل خواهند کرد. حقوق مجموعه ای را تشکیل می دهند. از این رو، عمل واقعی به یکی از حقوق، عمل به دیگر حقوق نیز می شود. بدین خاطر است که همواره استقلال و آزادی را خاطر نشان همگان می کنیم. هر انسانی و هر جمع انسانی که از معانی استقلال به یک معنی که خود انگیختگی در گرفتن تصمیم است و از معانی آزادی، به یک معنی که خود انگیختگی در گزینش نوع تصمیم است، عمل کنند، عقل خویش را مستقل و آزاد گردانند و پندار و گفتار و کردار خویش را خالی از زور کرده و به خود امکان داده اند که زندگی شان عمل به حقوق بگردد.

۲/۱- بدیهی است که خالی کردن پندار و گفتار و کردار از زور، در جامعه ای که فردها و گروه ها، یکدیگر را در مدار بسته رابطه قوا زندانی می کنند، نیاز به اصل و اندیشه راهنما دارد. اصل راهنما، موازنه عدلی را پیشنهاد می کنیم. قابل لمس ترین تعریف از این اصل و بکار بردن آن، تعریف، رها کردن عقل از محدود کننده (قدرت = زور) و حدها و مرزها و بازگرداندن فضای عقل تا بی نهایت است. این اصل را می توان در اصول بازهم ملموس تری بکار برد: هر پدیده ای، در وجود و زندگی الف - یک مجموعه سامانه مند است.

ب- مجموعه ای از حقوق دارد که ذاتی وجود آنهاست و ج- استعداد رهبری دارد که همواره با استعدادهای دیگر او همراه و هماهنگ کننده فعالیتها آنهاست.

د- راه مستقیم زندگی را که عمل به حقوق ذاتی است از بیراهه مرگ که بکار بردن زور است، باز می شناسد و

ه- هدفمند است. این اصل، وقتی ترجمان موازنه عدلی می شوند که پندار و گفتار و کردار آدمی را چنان راهبرند که از زور خالی بگردد.

در صفحه ۱۶

نیز مربوط می شود. بدیهی است وجود سنتها از سوئی و بالا رفتن سن ازدواج از سوی دیگر، فشار بر جوانان، خاصه دختران را کاهنده نمی کنند. و در مسئله سوم، فشارهای طاقت شکن و نبود آینده و پدر معتاد عامل اعتیاد هستند. و در مسئله چهارم، فقدان درآمد و نبود کار مولد، عامل ترک تحصیل و روی آوردن به کار کاذب و یا ترک وطن و یا ادامه تحصیل تا اخذ مدرک و ترک کشور، دانسته شده اند. اما هرگاه دانشجویان نیک بنگرند، این مسئله سازها خود نیز مسئله هستند. هرگاه آنها بر آن شوند که مسئله سازها را بازجویند، بسا خود آنها را خواهند یافت:

۲/۱- نخست توجه خواهند کرد که هیچیک از ۴ مسئله و نیز عوامل پدید آورنده ای که بر شمرده اند، وجود خود انگیخته ای ندارند. دقت را که بیشتر کنند، پدید آورنده بلا واسطه ای را تشخیص می دهند که مسئله ها، در پیدایش و دیرپائی خود، وابسته به آنها هستند:

● دانشگاه ها مدیریت مستقلی ندارند. در مدیریت، وابسته به رژیم ولایت مطلقه فقیه هستند. به این ترتیب که به وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری و واواک و دستگاه «رهبر» و «سپح»، بنا بر این، سپاه پاسداران و بودجه دولت (در مورد دانشگاه های دولتی) و شهریه های کلان و تصدی فعالیتها بازرگانی (در مورد دانشگاه های «آزاد»)، وابسته اند.

از لحاظ کار نیز، در این گونه رژیم ها، وظیفه دانشگاه ها تربیت «کادر» برای دیوان سالاری و فن سالاری دولتی است. با توجه به این واقعیت که ۸۰ درصد اقتصاد کشور در اختیار دولت - سپاه است و نیز، با توجه به این واقعیت که اقتصاد ایران مصرف محور است و به واردات متکی است، دانشجویان در می یابند که مسئله ساز، استبداد وابسته و اقتصاد مصرف محور است.

● در پاسخ به پرسشی در باره سنت ها، توضیح داده ام (نشریه انقلاب اسلامی شماره ۸۰۲) که غیر از سنت وجدان به حقوق ذاتی و عمل به این حقوق که همواره نو است، - زیرا وجدان بر این حقوق و عمل به حقوق، همواره، همزاد با نوزاد است، - همه دیگر سنتها که تنظیم کنندگان رابطه انسان با قدرت هستند، می باید از میان برخیزند. پس راه حل این نیست که روشی را بیابیم که جوان از بند آداب و رسوم و سنتها برهد بی آنکه سبب طرد او از سوی خانواده بگردد، راه حل اینست که ایرانیان دریابند که تا وقتی رابطه با قدرت را با رابطه با استقلال و آزادی ذاتی انسان، جانشین نکنند و دست و پای خویش را از بند سنتهای قدرت فرموده رها نسازند، در همان حال که غرق ثروتند، در فقر و خشونت، می مانند و رنجور و رنجورتر می شوند. جوانان چون به این جا می رسند، در می یابند که آداب و رسوم و سنتهای قدرت فرموده، در همان حال، در اندیشه راهنما بیان می شوند، این اندیشه پاسدار آنها نیز می گردد. دلیل آن اینکه وقتی بیان قدرت اندیشه راهنما است، آدمیان مسئله ها را می سازند و بر مسئله حل نشده می افزایند. اگر دانشجویان به مسئله ها که در استبداد ولایت مطلقه فقیه، از آغاز تا امروز، پدید آمده اند، شماره کنند، از شمار مسئله و این واقعیت که مسئله ها کلاف سردرگمی را پدید آورده اند، بهت زده می شوند. این کار، آنها را، از مشکل مشکل سازی آگاه می کند که ایرانیان بدان گرفتارند: قدرتمداری فراگیر که ولایت مطلقه فقیه فرآورده آنست.

● اما اعتیاد به موارد مخدر متکی است به اعتیاد عمومی به زورمداری و زورباوری و اطاعت از قدرت. اعتیاد رفتار منفعلانه کسانی است که توانائی تنظیم رابطه با قدرت را ندارند. یعنی نمی توانند رابطه ای را برقرار کنند که آنها را موقعیت مطلوبی برخوردار کند. معتادان بیشتر کسانی هستند که در فضای اجتماعی بسته، توان ابراز استعدادها را در خود نمی یابند و برای خنثی کردن نیروهای محرکه در خود و فرار از خود انگیختگی خویش، به مواد مخدر روی می آورند.

● ترک تحصیل و ترک وطن ربط مستقیم پیدا می کند با چهار بعد واقعیت اجتماعی، بعدهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. نه تنها به بدین خاطر که جوان را بی عمل می کنند، بلکه بیشتر بدین خاطر که مانع از ایفای نقشی هستند که جوان در هر جامعه باید داشته باشد و بازی کند: باز و تحول پذیر کردن نظام اجتماعی حق و وظیفه جوان در هر جامعه است. حال اگر نیروهای محرکه به زور بدل شده باشند و این زور در جلوگیری از باز و تحول پذیر شدن جامعه بکار رود، جوان نمی تواند کار باز و تحول پذیر کردن جامعه را تصدی کند. در رویارویی با چنین نظامی اجتماعی مسئله سازی، او یکی از دو کار را می تواند کرد:

الف - جستجوی راه حل شخصی برای مشکل همگانی. ترک تحصیل و یا ادامه آن به قصد گرفتن مدرک و ترک کشور، راه حل شخصی برای یک مشکل همگانی است. صد البته مشکل را حل نمی کند.

ب - جستجوی راه حل جمعی برای مشکل همگانی که نیازمند تدارک اسباب از میان برداشتن مجموعه مشکلها (انقلاب در نظام اجتماعی نیمه بسته و بنیادهای جامعه، مهمترین آنها،

۲- دختران دانشجو هم مشکل بالا را دارند. آنها با مشکل دیگری که آداب و رسوم دست و پا گیر است نیز دست بگریبانند. سن ازدواج برای دخترها دارد میرسد به بالای ۳۰ سال. از بس پسرها تحت فشارند که باید خرج ازدواج را بدهند و حتی خونه و ماشین و شغل پر در آمد داشته باشند. آنهم از جیب خانواده که با این گرانی اصلاً امکان پذیر نیست. پسرها هم خیلی دیر می توانند ازدواج کنند. دانشجویان دختر می گویند: کاش این سنتها نبود. این سنتهای غلط از سیمان هم سخت ترند. با این سنتهای دست و پا گیر چگونه میشود مبارزه کرد اما جوری که دختر از خانواده طرد نشود؟

۳- سومین مشکل جوانها به هر محیط خانوادگی که متعلق باشد، فقیر یا پولدار، دانشجو، یا درس را ول کرده، اعتیاد است. اعتیاد بیداد می کند. حتی در دانشگاه ها، میان دانشجویها معتاد زیاد است. از دانشجوی معتاد که میپرسی چرا تو که دانشجو هستی معتاد شدی؟ پاسخ می دهد: از بس فشار زیاد است و آینده روشنی هم نداریم. خیلی ها بعلت اینکه پدر هاشان معتاد هستند، کشیده شده اند به اعتیاد. متأسفانه تفریح نیز معنایش این شده است که جمعه ها بروند بیرون شهر و یا درخانه دوستی جمع شوند. پارتنی راه انداختن و مصرف قرص زیاد شده است. در شرق کشور به علت نزدیک بودن به مرز افغانستان، اعتیاد به تریاک بیداد میکند. چند تا مرکز ترک اعتیاد هم درست شده در مشهد. جدید ترینش مجموعه سنگ بست در کیلومتر ۲۷ محور مشهد به فریمان است که به هیچ رو، کفاف اینهمه معتاد را نمیدهد.

کمتر جوانی را می توان یافت که یکی دوبار امتحان نکرده باشد. آنها که معتاد نشده اند، مدیون پدر و مادر خود هستند. از این نظر و نظریات دیگر، نقش والدین در خانواده بسیار مهم است.

۴- بسیاری ترجیح می دهد که به دانشگاه نروند. زیرا توانائی مالی ندارند. شاگردان با استعداد فراوانند که ناگزیرند ترک تحصیل کنند و به دنبال کارهای کاذب بروند تا دست کم خرج خود را در بیاورند.

این ۴ چهار مسئله اصلی جوانان ما از دختر و پسر است. شاید جوانهای تهرانی بیشتر مساله داشته باشند. اما مسائل دانشجویان و جوانان شهرستانی، در درجه اول، این چهار مسئله هستند.

به مسائل جوانان بهتر است، در تلویزیون، بیشتر پرداخته شود. خدا یارتان باد.

\* پاسخها به پرسشهای چهارگانه:

نخست یادآور می شوم که انسان حقوقمند، بنا بر این، برای زندگی کردن، در رشد و رشد کردن در استقلال و آزادی آفریده شده است. این انسان شجاعت ذاتی زندگی کردن را که از یاد نبرد، مسئله ساز نمی شود. به سخن دیگر، قدرتی که فرآورده ویرانگری خود او است را خدا نمی سازد و در بندگی قدرت، به ویرانی اساس حیات خود نمی پردازد. مسئله ها ساخته های این بندگی هستند:

۱- این مسئله ها می باید جوانان، خاصه جوانان دانشجو را، به این پرسش برانگیزد که مسئله ساز کیست و یا کیانند؟ محیط اجتماعی چگونه محیطی است؟ این محیط، محیط یک جامعه باز و تحول پذیر است یا محیط یک جامعه بسته و یا نیمه باز؟ دانشجویان دختر از سنتهای دست و پا گیر شکوه می کنند اما آیا از خود پرسیده اند که این سنتهای تنظیم کننده رابطه ایرانیان با قدرت چرا استمرار تاریخی جسته اند؟ مسئله ها خود به خود بوجود نمی آیند، عواملی آنها را پدید می آورند. آیا دانشجویان و دیگر جوانان از خود می پرسند: اعتیاد به اطاعت از قدرت چگونه پدید آمده و در اشکال سنتها استمرار جسته است؟ آیا به نظرشان رسیده است که رابطه اعضای یک جامعه با قدرت، نظامی اجتماعی - سیاسی بسته یا نیمه بسته و در نتیجه، بنیادهای اجتماعی، از جمله دولت قدرت مدار پدید می آورد و در حاکمیت این بنیادها بر انسان ها، آنها را به تخریب نیروی محرکه ای که هستند و نیروهای محرکه ای که پدید می آورند، بر می انگیزد و مسائل چهارگانه بالا، یک چند از مسائلی هستند که از رهگذر از خود بیگانگی نیروهای محرکه در قدرت (= زور) ویرانگر پدید می آیند؟

مسئله ها را اگر بیماریها فرض کنیم، چرا از پدید آورندگان بیماری پرسش نمی شود؟ به پرسشها بازگردیم بینیم دانشجویان در میان گذارنده این چهار مسئله، آیا مسئله سازهایی را خود شناسائی کرده اند و یا می کنند؟

۱/۱- در مسئله اول، ناکارآمدی دانشگاه ها بلحاظ استاد و توأم نبودن آموزش نظری با آموزش عملی، بخاطر نبود رابطه میان دانشگاه و صنایع و فقدان کار، مسئله ساز هستند. و در مسئله دوم، سنتهای دست و پا گیر بیشتر دختران جوان را در بند نگه میدارند. مشکل بودن ازدواج به داشتن و نداشتن مال



## پیش و پس از گفتگوهای بغداد و اطلاعات و ضد اطلاعات پیرامون توافقات محرمانه:

انقلاب اسلامی: پیش از گفتگوهای بغداد، دستگاه‌های تبلیغاتی اسرائیل و آمریکا و «ایران» یک رشته «اطلاعات» در باره گفتگوهای محرمانه ایران و آمریکا و مواد مورد توافق، انتشار دادند. اینک در پرتو حاصل گفتگوهای بغداد، می‌توان موافقان به نتیجه رسیدن گفتگوها و مخالفان آن را تشخیص داد و نیز می‌توان اطلاعات را از ضد «اطلاعات» بازشناخت:

### \* آیا نتان یاهو موافق است که اوپاما با ایران مصالحه کند؟:

### \* دخالت ندادن به احمدی نژاد و دخالت مستقیم خامنه‌ای در گفتگوهای محرمانه و مصالحه ماده‌ای اوپاما و خامنه‌ای و:

◀ در ۱۹ مه ۲۰۱۲، دبکا فایل در باره گفتگوهای اوپاما با علی خامنه‌ای و اسرائیل بر سر مسئله اتمی ایران نوشته است که نتان یاهو با اراک اوپاما بر سر مصالحه اش با ایران، توافق کرده است. دبکا ۸ ماده مورد توافق ایران و آمریکا را نیز شماره کرده است:

۱- آمریکا و ایران موافقت می‌کنند که چون توافق شامل برسر پرونده اتمی ایران بدست نیامدنی است، با توافق بنیابینی موافقت می‌کنند که به هر یک از دو طرف آزادی تفسیر آن را می‌دهد. دبکا فایل مدعی است که چنین توافقی به اوپاما امکان می‌دهد رای دهندگان آمریکایی را متقاعد کند که ایران به دست برداشتن از بلند پروازیهای اتمی خود تن داده است و به خامنه‌ای نیز امکان می‌دهد به مردم ایران و مردم کشورهای مسلمان بگوید حق ایران بر غنی سازی اورانیوم را به کرسی قبول نشانده است و بکار خود برای تولید بمب اتمی ادامه بدهد.

۲- ایران غنی سازی اورانیوم ۲۰ درصد را به حال تعلیق در می‌آورد اما تأسیسات فردو را بر نمی‌چیند. اسرائیل خواستار برچیده شدن این تأسیسات است.

۳- ایران ۱۱۰ کیلو اورانیوم ۲۰ درجه خود را که می‌تواند بکار تولید بمب اتمی بیاید، از کشور خارج می‌کند. این اورانیوم برای مصرف راکتور اتمی تهران آماده و به ایران بازگردانده می‌شود.

۴- برای غنی کردن اورانیوم از ۳/۵ تا ۵ درجه سقف معین نمی‌شود. دبکا فایل براینست که آمریکا بطور ضمنی این

امتیاز را به ایران داده است. ۵- ایران قرارداد الحاقی به قرارداد منع گسترش اسلحه اتمی را امضاء می‌کند. این قرارداد به آژانس امکان بازرسی کامل تأسیسات اتمی را می‌دهد. ۶- تأسیسات اتمی سری ایران که آمریکا از آن اطلاع روشنی ندارد، نیز، در شمار تأسیسات اتمی ایران ثبت نمی‌شوند و از قلمرو بازرسی آژانس انرژی اتمی بیرون می‌مانند. دبکا نیز می‌نویسد معنای این موافقت اینست: «نمی‌دانم و نمی‌خواهم ببینم و بدانم»

۷- آمریکا و اروپا مجازاتهای وضع شده بر ضد ایران را مرحله به مرحله لغو می‌کنند. دبکا فایل توضیح می‌دهد که تحریم بانک مرکزی و اخراج آن از سامانه بین المللی نقل و انتقال پول، بطور رسمی لغو نمی‌شود. اما بانکهای کوچک اروپایی اجازه خواهند یافت بر کار آنها چشم خواهند بست (یافت کار نقل و انتقال پول را برای ایران انجام دهند. همان تدابیر به اجرا گذاشته می‌شوند که روسیه و چین و هند و ترکیه در معامله با ایران، بکار می‌برند.

۸- تحریم نفت ایران که از اول ماه ژوئیه عملی خواهد شد، توسط آمریکا و اروپا لغو خواهد شد.

◀ دبکا فایل خبر داده است که اوپاما با این مصالحه بنیابینی موافقت کرده است اما خامنه‌ای هنوز با آن موافقت نکرده است. بدین خاطر است که در ۲۰ مه، آمانو، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی به ایران رفت. هرگاه او جواب موافق خامنه‌ای را بستاند و بیاورد، اوپاما به دو هدف دست یافته است: ۱- گفتگوهای کشورهای ۱+۵ تا ماه نوامبر که انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا است، می‌توانند ادامه یابند. ۲- اسرائیل مجوز حمله به ایران را نخواهد یافت.

◀ پیش از آغاز مذاکرات، نتان یاهو تأکید کرد ایران می‌باید به غنی سازی اورانیوم پایان بخشد و تأسیسات فردو را برچیند. توافق اوپاما با علی خامنه‌ای برای اسرائیل قابل قبول نخواهد بود زیرا به ایران امکان خواهد داد هروقت خواست بمب اتمی تولید کند.

◀ برابر اطلاع واصل، خامنه‌ای گفتگوها در باره اتم ایران را، شخصا اداره می‌کند و احمدی نژاد دخالت داده نمی‌شود. درواقع، این گفتگوها را آن وزارت خارجه‌ای تصدی می‌کند که تصدی هدفهای استراتژیک رژیم را برعهده دارد و در «بیت رهبر» مستقر است و تحت نظر شخص خامنه‌ای است.

### \* آیا مأموریت آمانو بدست آوردن موافقت خامنه‌ای با مصالحه ۸ ماده‌ای بوده است؟

◀ در همان تاریخ ۱۹ مه، دبکا فایل گزارش دیگری را، با عنوان گفتگوهای خطرناک و بارور انتشار داد:

◀ یوکیا آمانو، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی، برای انجام مأموریت تعیین کننده‌ای، در ۲۰ مه، به تهران رفت. مأموریت او بدست آوردن موافقت قطعی آیت الله علی خامنه‌ای با مصالحه ۸ ماده‌ای بود. این مصالحه را اسرائیل برای خود خطرناک و اوپاما برای خود بارور می‌دانند.

◀ کاخ سفید بی‌قرار دریافت موافقت خامنه‌ای با مصالحه ۸ ماده‌ای است.

## بغداد، مسکو و بعد...؟

این مصالحه که حاصل گفتگوهای پشت پرده دو طرف است، می‌باید پیش از گفتگوهای ۲۳ مه در بغداد، توسط دو طرف پذیرفته شود.

◀ هرگاه در گفتگوهای بغداد، بر اساس این مصالحه، توافقی بعمل بیاید، برای اسرائیل بسیار مشکل می‌شود به ایران حمله کند بدون این که در جهان منزوی و مورد اعتراض همگانی قرارگیرد. در عوض، اوپاما را به هر دو هدف خویش (انجام توافق با ایران و آن را پیروزی خود خواندن و جلوگیری از حمله اسرائیل به ایران) خواهد رساند.

خامنه‌ای را نیز به یکی دیگری از هدفهای استراتژیک و کلیدی خود می‌رساند و آن خراب کردن رابطه دوستی میان آمریکا و دولت صهیونیست است. خامنه‌ای بر اینست که زبان تحریم‌ها هرگاه به این نتیجه بیانجامد که در آخر کار، میان ایران و آمریکا توافقی انجام گیرد که حاصل آن لطمه سخت وارد کردن به روابط آمریکا و اسرائیل و ضعیف شدن اسرائیل باشد، قابل قبول و توجیه پذیر هستند.

◀ اما آمانو، در پایان سفر خود به تهران، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با جلیلی، گفت با ایران به توافق رسیدیم و توافق نامه در روزهای آینده به امضاء خواهند رسید. او توضیح داد که توافق ایران با آژانس، بر گفتگوهای بغداد اثر خواهد گذاشت. با وجود این، در ۲۳ مه، پیش از آغاز گفتگوها، معاون خانم آشتون، وزیر خارجه اروپا، گفت: توافق تهران با آژانس اثر چندانی بر گفتگوهای کشورهای ۱+۵ با ایران نخواهد داشت.

### \* امید به موفقیت آمیز شدن گفتگوهای بغداد، افزایش می‌یابد:

◀ در ۲۰ مه ۲۰۱۲، آنتی وار گزارش کرده است: ورود آمانو، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی به تهران، این امید را برانگیخته است که گفتگوهای کشورهای ۱+۵ با تهران، موفقیت آمیز بگردند.

حتی اسرائیل که گفتگوهای بغداد را محکوم می‌کرد، با نوعی از مصالحه، موافقت کرده است. وزیر دفاع اسرائیل، اهود باراک بیانیه صادر کرده و در آن گفته است اسرائیل با دادن اجازه غنی سازی اورانیوم تا ۳/۵ درجه به ایران، موافقت می‌کند. این موضع، تغییر موضع پس درناکی برای اسرائیل است. چرا که روزی پیش از آن، اسرائیل خواهان ترک غنی سازی بدون قید و شرط ایران شده بود. در تبصره قانون بودجه نظامی آمریکا نیز رها کردن غنی سازی اورانیوم توسط ایران نیز قید شده است.

بخش عمده اورانیوم غنی شده ایران، ۳/۵ درصدی است که بکار سوخت در نیروگاه اتمی بوشهر می‌آید. مقدار کمی اورانیوم نیز تا ۲۰ درجه، برای تأمین سوخت راکتور اتمی تهران تولید شده است. ایران آماده است غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را رها کند هرگاه دریافت سوخت برای راکتور پزشکی تهران تضمین شود. بدین سان، مانع اصلی از سر راه موفقیت آمیز شدن گفتگوهای بغداد برداشته شده اند.

## گفتگوهای سران ۸ کشور و سران ناتو در باره پرونده اتمی ایران و معامله اولاند با اوپاما:

### \* گفتگوهای دو کنفرانس سران ۸ کشور ثروتمند و ناتو، بر محور مصالحه با ایران:

بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه و رویتر از کنفرانس سران ۸ کشور ثروتمند جهان و کنفرانس سران ناتو، در روزهای ۱۹ تا ۲۱ مه ۲۰۱۲، در آمریکا، در آنچه به گفتگوهای بغداد مربوط می‌شود، در کنفرانس سران ۸ کشور، بنا بر مصالحه با ایران شد. هر چند گفته شده است دو پیشنهاد از سوی دو جناح ۶ کشور به ایران ارائه خواهند شد، اما در واقع، یک پیشنهاد به ایران داده خواهد شد. قرار بر سری نگاه داشتن مواد پیشنهاد است.

با وجود این، گزینه جنگ همچنان بر سر میز است و خطر حمله اسرائیل به ایران وجود دارد. با آنکه این بار شخص خامنه‌ای طرف گفتگو است و رژیم ایران با انسجام بیشتری گفتگو می‌کند، اما هیچ به معلوم که او بتواند مصالحه را به گرایشهای موجود در رژیم بقبولاند و بتواند برای افکار عمومی ایران، آن را توجیه کند. مصالحه، مسئله اداره کشور را در وضعیت کنونی برای خامنه‌ای مطرح می‌کند. بدین خاطر، می‌باید آماده بکار بودن راه حل نهایی نیز بود.

از این رو، در بازگشت هیأت روسی به مسکو، وزیر خارجه روسیه نسبت به خطر جنگ هشدار داد. پیش از آن، مدودو که اینک نخست وزیر روسیه است، هشدار داد که حمله نظامی به ایران و سوریه، خطر جنگ اتمی را بوجود می‌آورد.

◀ در کنفرانس ناتو، قرار بر ایجاد سپر دفاع موشکی شد. بناسنات ایران در محاصره موشکی قرار داده شود به ترتیبی که در باید تجهیز شدن به موشک دوربرد و مجهز کردن آن به کلاهک اتمی، هزینه‌ای چنان سنگین و بی‌فایده ببار می‌آورد که کمر ایران را می‌شکنند.

### \* معامله اولاند با اوپاما بر سر اتم ایران و خروج قوای فرانسه از افغانستان:

◀ در ۲۳ مه، همزمان با گفتگوهای بغداد، نوول ابروواتور گزارشی را در باره «موضع پاریس» و معامله اولاند، رئیس جمهوری جدید فرانسه، با اوپاما، رئیس جمهوری آمریکا را انتشار داد:

◀ اولاند امیدوار است که با تعدیل موضع فرانسه در قبال پرونده اتمی ایران، توافق با تهران را آسان کند: در ۱۱ مه، ۴ روز پیش از آغاز ریاست جمهوری اولاند، گروه مسئول روابط بین المللی رئیس جمهوری منتخب مردم فرانسه، بی‌سرو صدا، با فرستادگان باراک اوپاما به پاریس، گفتگو کردند. آنها بدان قصد به پاریس آمده بودند که از نیات جانشین نیکولا سارکوزی آگاه شوند. دو موضوع بطور

خاص مورد نظر آنها بودند: بیرون بردن پیش از موعد قوای فرانسه از افغانستان و ایران.

◀ آنها آگاه شده بودند که میشل روکار، نخست وزیر اسبق فرانسه، به تهران رفته است. دو هفته پیش از گفتگوهای تعیین کننده بغداد، او به تهران رفته بود. آیا به مأموریت از سوی رئیس جمهوری جدید رفته بود؟ آیا اولاند تصمیم گرفته است در مورد پرونده اتمی ایران، موضوع دولت فرانسه را تا ۱۸۰ درجه تغییر دهد؟

گروه مسئول روابط بین المللی به فرستادگان اوپاما با قاطعیت گفتند: «نه، رفتن روکار به تهران مثل سفر جیمی کارتر به کره شمالی است و یک اقدام شخصی پیرمردی ساده دل است». تحت ریاست اولاند، قطع کردن با سیاست فرانسه در قبال پرونده اتمی ایران، در کار نخواهد بود. اما آن سیاست تعدیل مهمی خواهد یافت:

◀ یکی از اعضای گروه به ما گفت: در پایان ریاست جمهوری ۵ ساله نیکولا سارکوزی، فرانسه در میان کشورهای ۵+۱ به انزوا درآمده بود. پاریس هرگونه گشایش باب بر روی ایران را سد کرده بود. موضع فرانسه بطور کامل با موضع اسرائیل انطباق بسته بود. فرانسوا اولاند به این نتیجه رسیده است که این رفتار بارور نیست. ما می‌باید سیاست خود را تعدیل کنیم.

◀ یک مقام رسمی دیگر به ما گفت: نماینده فرانسه در گفتگوهای بغداد، همچنان ژاک اوبیتر، خواهد بود اما چون گذشته با ابتکارهای دیپلماتیک آمریکا مخالفت نخواهد کرد. در آنچه به اصول مربوط می‌شود، استوار می‌ایستیم اما دیگر اسباب زحمت آمریکایی‌ها نمی‌شویم.

◀ یک دیپلمات فرانسوی توضیح می‌دهد که دلایل چندی برای این گزینش استراتژیک وجود دارند: نخست این دلیل که بخاطر تحریم‌های سختی که از آغاز سال مسیحی جاری به اجرا گذاشته شده‌اند، ۶ کشور گفتگوکننده با ایران، در موضع قدرت هستند. دلیل دوم اینست که یک توافق ولی جزئی، خطر حمله نظامی اسرائیل به ایران را رفع می‌کند. افزون بر این دو دلیل، فرانسوا اولاند، نیاز به جلب موافقت اوپاما، بخصوص در باره بیرون کشیدن قوای فرانسه در افغانستان دارد. هرگاه در چند هفته به انتخابات مجلس فرانسه بسیار محبوب است، منتخب جدید مردم فرانسه را متحد بدی معرفی کند و بر ضد او تبلیغ کند، اثر آن بر سیاست داخلی فرانسه می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد. بنا بر این، اولاند مصلحت را در این دیده است که با اوپاما، بده بستان کند: در مورد ایران، فرانسه سیاست خود را با سیاست آمریکا منطبق می‌کند و آمریکا خروج قوای فرانسه از افغانستان را بدیده اغماض می‌نگرد.

◀ بنا بر قول چندین منبع، تصمیم نهایی روزی بعد از دیدار فرستادگان اوپاما، در ۱۲ مه، گرفته شد. در این روز، فرانسوا اولاند تصمیم گرفت که با پیشنهاد وزارت خارجه آمریکا به ایران موافقت می‌کند. همان پیشنهادی که سارکوزی حتی نمی‌خواست آنها را بشنود. اینست دلیل اظهارات رئیس جمهور اولاند در برابر مطبوعات آمریکا در واشنگتن، در ۱۸ مه: «از زمان انتخاب من به ریاست جمهوری، فرانسه همه کار می‌کند تا که در گفتگوهای بغداد، هماهنگ شرکت کنیم.



● روز بعد، در اجلاس سران ۸ کشور در کمپ داوید، اولاند گفت: «من خواستم یک شانس موفقیتی به گفتگوهای بغداد بدهم. یک مقام دیگر فرانسوی به ما گفت: تا این زمان، کاخ الیزه با هرگونه پیشنهادی به ایران که متوقف کردن غنی سازی اورانیوم، حتی تا ۵ درصد، را در بر نمی داشت. امریکائی ها و دیگران این طور ارزیابی می کردند که این موضع فرانسه بسیار سخت و بسیار تحقیر کننده است و ایرانیان نمی توانند آن را بپذیرند. بنظر ۵ کشور دیگر، ما باید گام به گام پیش برویم. در ازای هرگام که ایران بر می دارد، پاداشی بدهیم.

● با برداشته شدن سدی که موضع فرانسه بود، ۶ کشور گفتگو کننده می توانند به ایران پیشنهاد کنند هرگاه شما غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درجه را رها کنید و حدود ۱۰۰ کیلوئی که غنی کرده اید از کشور خارج سازید، سازمان ملل تحریم های جدید بر ضد شما وضع نخواهد کرد و ما به شما قطعات یدکی هواپیما های مسافربری را خواهیم داد و به شرکتهای خود اجازه خواهیم داد که به این هواپیماها بنزین بدهند.

انقلاب اسلامی: گزارش نوسول اوبسرواتور، به واقعیت نزدیک تر است هم بدین خاطر که سخنگوی خانم آشتون گفت کشورهای ۱+۵ از ایران خواسته اند از غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد چشم ببندند و هم لوران فابوس، وزیر خارجه فرانسه، در ۲۴ مه، روز دوم گفتگوها، گفته است: کشورهای طرف گفتگو با ایران، ترکیبی از مجازات ها و گفتگو با ایران را روش کرده اند.

● حکومت اوباما امیدوار است در طول تابستان به یک توافق بینایی با ایران دست یابد. این توافق یک موفقیت دیپلماتیک برای رئیس جمهوری امریکا خواهد شد. در تابستان، او مشغول مبارزات انتخاباتی خویش است و این توافق همراه با جلوگیری از حمله اسرائیل به ایران، در تجدید انتخابش، بکار می آیند. گروه مسئول سیاست خارجی فرانسه، از آن بیم دارد که اسرائیل، ایام انتخابات ریاست جمهوری امریکا را برای حمله به ایران، متعین بشمارد.

## گزارش ها در باره تدارک گفتگوها و پیرامون حاصل گفتگوهای روز اول:

\* کنگره امریکا مجازاتهای جدید وضع می کند. آیا امریکا از مصالحه انجام گرفته قدم واپس می گذارد؟

◀ در ۲۲ مه ۲۰۱۲، یک روز پیش از گفتگوهای بغداد، سنای امریکا طرحی را تصویب کرد که بنا بر آن، ایران می باید به تمامی فعالیتهای اتمی خویش، پایان بدهد.

سنای امریکا به اتفاق آراء مجموعه ای از مجازاتهای اقتصادی در باره بخش نفت ایران را تصویب کرد. بنا بر این مصوبه، ایران می باید به غنی سازی اورانیوم پایان بدهد.

مجلس نمایندگان در ماه دسامبر سال ۲۰۱۱، طرح دیگری را تصویب کرده بود. اینک دو مجلس می باید اختلاف های موجود در دو طرح را رفع کنند.

به قول سناتور دموکرات، روبرت مندرز، تصویب این طرح اخطار به ایران

## بغداد، مسکو و بعد...؟

\* گزارش روز اول مذاکرات: طرح ۵ ماده ای و ۵ مرحله ایران و بسته پیشنهادی کشورهای ۱+۵:

◀ خبرگزاری فرانسه و نوول ابرواتور (۲۴ مه ۲۰۱۲) گفتگوهای روز اول را این سان گزارش کرده است: کشورهای ۱+۵ خواستار آن شدند که غنی سازی ۲۰ درصد را به حال تعلیق درآورد. در برابر، ایرانیها نیز پیشنهادی در ۵ بند ارائه کردند. کلمه کلیدی غنی سازی اورانیوم توسط ایران است:

در پایان یک روز گفتگو، ایران از قدرتهای بزرگ خواست پیشنهاد خود را بازبینی کنند تا که گفتگوها تسهیل شوند. یک مقام هیات ایرانی که خواست ناش برده شود، گفت: طرف مقابل باید در پیشنهادهای خود تجدید نظر کند (...). نقاط مشترک هنوز کافی برای ادامه دادن به گفتگوها نیستند. قرار است که گفتگوها در ۲۴ مه نیز دنبال شوند. باید مبنای مشترکی وجود داشته باشد تا بتوان توافقی را به عمل آورد. وگرنه، بعد از گفتگوهای بغداد، در باره چه چیز گفتگو خواهیم کرد؟ اما بنظر می رسد که برای طرف غربی داشتن مبنای مشترک اهمیت ندارد و بهر قیمت می خواهد گفتگو ادامه یابد. موضع ما چنین نیست.

● دیپنگام شب، سعید جلیلی، رئیس هیات ایرانی و رئیس دیپلماسی اروپا، کاترین آشتون، گفتگوی دو طرفه ای انجام دادند. در پایان این گفتگو که یک مقام ایرانی آن را «جدی» توصیف کرد، دیپلماتهای غربی اعلان کردند که گفتگوها صبح ۵ شنبه (۲۴ مه) ادامه خواهند یافت.

● پیشنهادهای جالب: بنا بر قول سخنگوی خانم آشتون، بسته پیشنهادی جالبی از سوی کشورهای ۱+۵ به ایران داده شد. بنا بر گزارشها، به حال تعلیق درآوردن غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد، محور این بسته پیشنهادی است. سخنگوی خانم آشتون نیز گفت از ایران خواسته شده است که بعنوان گام اول، غنی سازی اورانیوم ۲۰ درصد را به حال تعلیق درآورد.

● ایران پیشنهاد مقابلی در ۵ بند بعمل آورد. مسئول ایرانی گفت: این پیشنهادها بر وفق قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای و نیز اصل مورد توافق در گفتگوهای استانبول (پیشرفت گام به گام بسوی توافق نهایی) تهیه شده اند.

● در واشنگتن، وزارت خارجه امریکا توضیح داد که بسته پیشنهادی کشورهای بزرگ شامل تدابیری است که عمل به آنها سبب جلب اعتماد می شود و راه را برای ایران باز می کند تا نشان دهد که برنامه اتمیش جز هدف صلح آمیز ندارد و با قطعنامه های شورای امنیت منطبق است.

بنا بر این بسته پیشنهادی، پیشرفت بسوی توافق نهایی، گام به گام خواهد بود و دو طرف گامهای بایسته را بر خواهند داشت. در آنچه به ما مربوط می شود، در کوتاه مدت، ما گامهایی را بر خواهیم داشت بشرط این که ایران نیز چند گامی بردارد.

● هدف از گفتگوها پایان بخشیدن به بحران شدت گیری است که سالهاست ادامه دارد و روابط ایران با بخش بزرگی از جامعه بین المللی را زهرآلود کرده است و پای جنگ را بمتابه راه حل

نهایی، بمیان آورده است. ◀ در این گزارش کوتاه، از پیشنهادهای دو طرف، دو بند قابل مشاهده اند: در پیشنهاد ایران، پذیرفته شدن حق ایران بر غنی سازی اورانیوم و در پیشنهاد کشورهای ۱+۵ متوقف کردن غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد. اما در روز دوم، بندهای دیگری که به پرونده اتمی ایران مربوط می شوند، برزبانها آمدند: ۱- سه بند از ۵ بند پیشنهاد شده توسط هیأت خامنه ای، عبارتند از غنی سازی بقصد تهیه سوخت اتمی و برداشته شدن تحریم نفتی و بازرسی شامل آژانس بین المللی انرژی اتمی از تأسیسات اتمی ایران. دوبند دیگر، یکی موضوع بحرین بوده است (جلیلی در کنفرانس مطبوعاتی از آن سخن گفت) و دیگری خلع سلاح هسته ای در خاورمیانه.

اما بنا بر ارزیابی کارشناسان غرب، به استناد، اشاره های خانم آشتون و دیگران، خواست غیر اتمی اما اصلی ایران، پذیرفته شدن دولت جمهوری اسلامی ایران از سوی امریکا بطور خاص و غرب بطور عام بوده است. ۲- اما طرف مقابل، اولاً حاضر نشده است حق ایران بر داشتن «چرخه سوخت» اتمی را بپذیرد. یعنی اگر هم توافقی وجود داشته است که بنا بر آن، ایران حق دارد اورانیوم را تا ۵ درصد غنی کند، هیأت های غربی، خلاف آن را در گفتگوهای بغداد نیز گفته اند. قول وزارت خارجه امریکا در این باره، صریح است. در واقع، هیأت های غربی می خواسته اند مسئله غنی سازی تا ۵ درصد مسکوت بماند در عوض، پیشنهاد کرده اند ایران غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را به حال تعلیق درآورد. حاضر به لغو مجازاتهای نفتی شده اند. در عوض، پیشنهاد کرده اند قطعات یدکی و سوخت برای راکتور پزشکی تهران و ایزتوپ ها و کمک فنی در مورد استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی به ایران بدهند.

در کنفرانس مطبوعاتی مشترک آشتون و جلیلی، دو طرف گفته اند: نکات مورد اشتراک و نکات مورد اختلاف وجود دارند. پیشرفتی بعمل آمده است. قرار بر ادامه گفتگوها در ۱۸ و ۱۹ (۲۹ و ۳۰ خرداد) ژوئن شده است و دو طرف موافقت کرده اند پیش از آن، کارشناسان فنی دو طرف، بایکدیگر گفتگو کنند و کار گفتگوهای مسکو را آسان گردانند. ایران نیز پذیرفته است به حال تعلیق درآوردن غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را مورد بررسی قرار دهد.

انقلاب اسلامی: بدین قرار، امریکا نمی خواسته است اصل غنی سازی اورانیوم طرح شود اما با توجه به طرح مجازات مصوب سنای و گزارشهای منتشره در مطبوعات غرب، هیاتی که خامنه ای به بغداد روانه کرد، لازم دیده است چرخه سوخت و حق ایران بر غنی سازی اورانیوم را مطرح کند. این هیات می توانست واکنش نشود و کار را به ترتیبی پیش ببرد که در عین کاستن از مجازاتهای اقتصادی و برطرف کردن خطر جنگ، نخست غرب را به قبول ضمنی غنی سازی و سپس به اعتراف رسمی برانگیزد. اما مسئله اصلی رژیم نه ایران و حقوق ملی مردم ایران و نه اتم که بود و نبود خودش و طلب جا و موقع برای خویش است. بدین ترتیب، اگر هم مصالحه محرمانه ای وجود داشته است، در بغداد، امکان به عمل درآمدن را نیافته است. این

بار، بیش از رژیم، حکومت اوباما است که زیر فشارها، فرصت را سوزانده است:

## آیا زیر فشار اسرائیل و لابی هایش و محافظه کاران جدید، اوباما در خود یارای عمل کردن به مصالحه را نیافته است؟

\* ایران خواستار آن شد که ۱+۵ حق ایران بر غنی سازی اورانیوم را در پیشنهاد خود بکنجانند و امریکا پاسخ داد: این کاری است که ما نمی توانیم بکنیم:

◀ در ۲۴ مه، جزون دبتر گزارش کرده است: گفتگوهای کشورهای ۱+۵ با ایران، در بغداد، پایان یافتند. توافقی نیز بعمل نیامد. ایران بر حق خود بر داشتن چرخه سوخت اتمی، بنا بر قرارداد منع گسترش سلاح هسته ای تأکید کرد و از کشورهای ۱+۵ خواست که این حق ایران را در بسته پیشنهادی خود بکنجانند. اما نماینده امریکا، بنا بر قول مقامات امریکا، پاسخ داده است: مسلم است که این کاری نیست که ما آمادگی انجام آن را داشته باشیم.

● طرفه این که بنا بر گزارشهای واصل از بغداد، هیأت امریکائی با امری مخالفت کرده است که حتی اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل، با صدور بیانیه ای، آن را پذیرفته است (ایران می تواند اورانیوم را تا ۳/۵ درصد غنی سازد). بعد از او، نتان یاهو، نخست وزیر اسرائیل، با این موضع مخالفت کرد و گفت: ایران نه تنها باید غنی سازی اورانیوم محض سوخت را متوقف کند، بلکه می باید تأسیسات غنی سازی اورانیوم را برچیند.

● بخش عمده اورانیوم غنی شده ایران، ۳/۵ درصد است. این اورانیوم تنها بکار سوخت نیروگاه اتمی می آید. مقدار کمی نیز اورانیوم ۲۰ درصد دارد. این اورانیوم نیز سوخت نیروگاه اتمی پزشکی را تأمین می کند که در سال ۱۹۶۰، امریکا در اختیار ایران قرار داده است.

انقلاب اسلامی: جلیلی، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با آشتون گفت: ما نخست از طریق آژانس بین المللی انرژی اتمی تقاضای سوخت برای این نیروگاه را کردیم. غرب بود که تقاضا را رد کرد. بنا بر این، هرگاه غرب درست عمل کرده بود، امروز، به حال تعلیق درآوردن غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را محور پیشنهادهای خود نمی کرد.

◀ هیأت های غربی پیشنهاد ایران برای بازرسی وسیع تر آژانس بین المللی انرژی اتمی را نیز نپذیرفتند: چون گلاس، در ۲۴ مه ۲۰۱۲، گزارش کرده است: هیأت های نمایندگی غرب پیشنهادهای ایران و هیأت نمایندگی ایران پیشنهادهای کشورهای ۱+۵ را رد کردند. با وجود این، گفتگوها در معرض شکست و قطع شدن قرار ندارند.

● هیأت های نمایندگی کشورهای غرب تقاضای ایران را برای لغو تحریمها در ازای موافقت ایران با بازرسی وسیع بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی از تأسیسات اتمی خود را رد کردند. حسن عابدینی، تحلیل گر ایرانی، پیشنهاد به حال تعلیق درآوردن غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را در ازای دریافت قطعات یدکی هواپیما، یک جوک



دانست. بسته پیشنهادی متعادل نبوده، بنا بر این، قابل قبول نبوده است.

● واقع امر اینست که حکومت اوپاما و تمامی جامعه اطلاعاتی آمریکا می دانند که ایران در کار تولید بمب اتمی نیست و هیچگونه قصدی بر تولید آن، آبراز نکرده است. وزیر دفاع آمریکا و وزیر اطلاعات ملی و رئیس ستاد ارتش آمریکا در عین گفته اند که ایران در کنار ساختن بمب اتمی نیست. با وجود صلح آمیز بودن برنامه اتمی ایران و با وجود قبول همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی، قدرتهای غربی، تحت رهبری آمریکا، از کاستن از مجازاتها در ازای بازرسی وسیع از تأسیسات اتمی ایران، سر باز زدند.

● در ۲۴ مه ۲۰۱۲، خبرگزاری فرانسه از بغداد گزارش کرده است:

● ایران و کشورهای ۱+۵ در ۲۴ مه، دو روز گفتگوها بر سر مسئله اتمی ایران را به پایان بردند. تنها نتیجه ملموس آن این شد که گفتگوها، در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژوئن، در مسکو دنبال خواهند شد. کاترین اشتون گفت: در این دو روز، ما با ایرانیها گفتگوهای بسیار پر حجم و درگیر کننده جزئیات بعمل آوردیم. بنا داریم این گفتگوها را در روزهای ۱۸ و ۱۹ ژوئن در مسکو از سر بگیریم. روشن است که دو طرف خواهان پیشرفت در گفتگوها هستند و ما نقاط مشترک داریم. اما عدم توافق های مهم نیز برجاستند. با اینهمه، ایران قبول کرده است که تعلیق غنی سازی تا ۲۰ درصد را مورد بررسی قرار دهد.

● جلیلی نیز گفت: ایران حق مسلم بر غنی سازی اورانیوم دارد.

● روز دوم، بنا بر قول یک مقام ایرانی عضو هیات، گفتگوها در جو بسیار بدی آغاز شد. پیش از آن، سه نوبت اشتون با جلیلی گفتگو کرده بودند.

● بنا بر یک منبع دیپلماتیک غربی، باب گفتگوها وقتی فقل شد که ایران خواستار آن شد که کشورهای ۱+۵ حق ایران بر غنی سازی اورانیوم را بپذیرد و نمایندگان این کشورها بپذیرند. در نیمه روز، همان منبع گفت: نگاهمی بعمل نمی آید اما گفتگوها در مسکو دنبال خواهند شد.

● دانستی است که در آغاز، وسائل ارتباط جمعی رژیم سخن از شکست گفتگوها بمیان نیاوردند. گفتگوها را موفقیت آمیز و برخوردار از پیشرفت نیز توصیف کردند. جز روزنامه ایران، ارگان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که در اختیار احمدی نژاد و گروه او است. این روزنامه پرسید چرا نباید امید کاذب برانگیخت. و بسته پیشنهادی غرب را بی محتوا توصیف کرد. بدین قرار، خامنه ای چون خود گفتگوها را تصدی کرده و دستگاه او امید به موفقیت را برانگیخته بود، اینک ترس خود را از اینکه بر مذاکرات بغداد مهر شکست بخورد، اظهار می دارد. با وجود این، در روزهای بعد، پس از آنکه بالا رفتن قیمت دلار، گویاترین اعلان بر ناتوانی خامنه ای و هیات مأمور گفتگوی او شد، جمهوری اسلامی گفتگوها را بی نتیجه توصیف کرد و کیهان به آمریکا تاخت و خواستار عدم شرکت در گفتگوهای مسکو شد.

### \* غرب امتیازهایی را که ایران داد مغتنم نشمرد و سیاست خویش را بر خواستهای اسرائیل بنا نهاد:

● پل پیلار که پیش از این تحلیل گر سیا در مورد کشورهای خاورمیانه بوده و اینک استاد دانشگاه است، در ۲۴ مه، ارزیابی خود را از گفتگوهای بغداد، انتشار داده است. بر جمع، بر این نظر است که آمریکا و متحدان اروپائی او، از اسرائیل دنباله روی کرده اند:

● مشاهده حاصل گفتگوهای بغداد میان کشورهای ۱+۵ و ایران این پرسش را به ذهن متبادر می کند: چه اندازه آنها

## بغداد، مسکو و بعد...؟

که نمی خواهند گفتگوها به نتیجه بیانجامد، بر رفتار گفتگو کنندگان اثر داشته اند و سهم سوءتفاهم ها در به نتیجه نرسیدن گفتگوها چه اندازه بوده اند؟

● تصویر عمومی که از میز گرد گفتگوها نارسا است. واقعیت اینست که غرب حاضر نشد هیچیک از مجازاتهای را که وضع کرده است، لغو کند. با وجود این که ایران گفت حاضر است غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را رها کند، غرب حاضر نشد هیچیک از مجازاتها را لغو کند. با آنکه آمریکا خودداری از غنی سازی اورانیوم تا ۲۰ درصد را محصور کرده بود و ممکن بود در ازای پذیرش آن از سوی ایران، از بخشی از تحریم ها چشم پوشید، کاری را که باید کرد، نکرد.

● در ازای چشم پوشی ایران از غنی کردن اورانیوم تا ۲۰ درصد، غرب به ایران پیشنهاد می کند قطعات بزرگی هواپیماهای مسافربری و ایزوتوپهای طبی بدهد. در مقایسه با تحریمهای سنگینی که بر ضد ایران وضع شده اند، این پیشنهادها، بس ناچیز هستند.

● طی سالها، انبوهی از مجازاتها برهم افزوده شده اند و کشورهای ۱+۵ از آنها برای وارد کردن فنار به ایران استفاده می کنند. چون پای گفتگو بمیان می آورند، در ازای امتیازها که از ایران مطالبه می کنند، حاضر نیستند از این مجازاتها بکاهند.

● شاید کشورهای ۱+۵ چیزی در جیب دارند که می خواهند وقتی گفتگوها پیشرفت کنند، در آورند. امسداوریم چنین باشد. اما در هفته های اخیر ایران نرمش روز افزون بخرج داد. اما آنها که آن طرف میز نشسته بودند، بخصوص آمریکا، مجازاتهای بیشتر وضع کرد (اشاره نویسنده به مصوبه های مجلس نمایندگان و سنای آمریکا است).

● آیا برخی از آنها که در کنار این گفتگوها هستند، این شیوه را شیوه گفتگو یا هدف رسیدن به نتیجه می دانند؟ آیا معنای گفتگو اینست که همه چیز را بستانی و هیچ چیز ندهی؟ آیا شیوه صحیح گفتگو اینست که طرف مقابل را در حالی که نرمش بخرج می دهد و حاضر به دادن امتیازها می شود، بیشتر مجازات کنی؟

● شاید درک ما از گفتگو نادرست است و درک درست اینست: وقتی مجازاتهای کنونی سبب می شود که ایران امتیاز بدهد، مجازاتهای بیشتر مجبور می کند بیشتر امتیاز بدهد. اما شیوه جمهوریخواهان عضو مجلس نمایندگان منی بر همه چیز گرفتن و هیچ چیز ندادن، کار را به بن بست می کشاند.

● به باور من، آنچه ما مشاهده می کنیم، گویای نادانی از فن و روش گفتگو کردن نیست بلکه تسلیم حکم آنها می شدن است که می دانند چه می خواهند. آنها کسانی هستند که نمی خواهند گفتگوها به موفقیت بیانجامد.

● بحران اتمی ایران حالا دیگر نگرانی آور شده است. زیرا سیاست داخلی آمریکا تأثیر می پذیرد از سیاستهای یک دولت خارجی که برنامه اتمی ایران را تهدید این زمان تلقی می کند و از آن در سیاست داخلی آمریکا، سود می جوید. بیشتر سیاستمداران آمریکا از این امر که ایران را خطر بخوانند و خواستار تشدید فشار به ایران بشوند، سود می برند.

● بیشتر سیاستمداران آمریکا روی خوش نشان دادن به ایران را از لحاظ سیاسی، برای خود خطرناک می دانند. اینان اهمیتی به هدف که اجتناب از مجوز شدن ایران به بمب اتمی است، نمی دهند. به استفاده ای که از این دست آویز می توان برد، می اندیشند.

● بسا اعضای دیگر کشورهای ۱+۵ قادر باشند نرمش بیشتری نشان بدهند. اما این آمریکا است که مهم ترین بازیگر

طرف دیگر میز گرد مذاکره است. این قدرت است که نمی تواند به راه گفتگوی نتیجه بخش برود.

### \* نتان یاهو و اهود باراک رئیس هیأت نمایندگی آمریکا گفتگوهای بغداد را نمی پذیرد و آژانس ذرات اورانیوم ۲۷ درجه را در فردو پیدا می کند و ایران می گوید: آژانس دلایل توجیه کننده بازرسی از پارچین را ارائه نکرده است:

● در ۲۶ مه ۲۰۱۲، وبکا فایل گزارش کرد که اختلاف میان اسرائیل و آمریکا بر سر پرونده اتمی ایران قطعی تر شد وقتی که در ۲۵ مه، نتان یاهو و اهود باراک حاضر نشدند رئیس هیأت نمایندگی آمریکا در گفتگوهای بغداد را بحضور بپذیرند. وندی شرین، معاون وزیر خارجه آمریکا، در پایان گفتگوهای بغداد، به بیت المقدس آمد که این دورا ناگزیر او با یاکوب امیدور، مشاور امنیتی نخست وزیر و رفی باراک، مدیر کل وزارت خارجه اسرائیل دیدار کرد و این دورا نسبت به گفتگوها توجیه شد. او به آنها گفت گفتگوها بی نتیجه شد زیرا ایران حاضر نشد از غنی سازی اورانیوم، نه ۳/۵ درصد و نه ۲۰ درصد صرف نظر کند و نه تأسیسات اتمی فردو را برجیند.

● به گمان اسرائیل هر روز که صرف فعالیت های دیپلماتیک می شود، فرصتی که به ایران داده می شود تا که برنامه اتمی خود را به انجام رساند. چنانکه گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی حاکی است که ایران ذخیره اورانیوم غنی شده خود را دو برابر کرده است. اورانیوم غنی شده را نیز از ۷۲/۴ کیلو به ۱۴۵ کیلو رسانده است. سانترفوژهای فردو را نیز از ۳۰۰ به ۵۰۰ رسانده است. تأسیسات فردو در ماه، ۲۳/۹ کیلو گرم اورانیوم ۲۰ درجه تولید می کند. بنا بر این، تا پایان سال جاری مسیخی، ایران ۳۳۶ کیلو گرم اورانیوم ۲۰ درجه خواهد داشت. میزان اروانیوم کمتر از ۵ درجه غنی شده اش نیز که در فوریه ۵۴۵۱ کیلو بود به ۶۲۳۲ کیلو افزایش یافته است.

● طرفه این که بنا بر گزارش آژانس، در فردو، ذرات اورانیوم ۲۷ درجه نیز مشاهده شده است. ایران وجود این ذرات را به دلایل فنی نسبت می دهد و نه اقدام به تولید اورانیوم با این درجه از غنی سازی.

● در ۲۶ مه ۲۰۱۲، رویترز گزارش کرده است که وسائل ارتباط جمعی ایران می گویند: آژانس بین المللی انرژی اتمی هنوز دلایل کافی برای توجیه بازرسی تأسیسات مظنون ارائه نکرده است.

● تأسیسات پارچین بیشتر از تأسیسات دیگر مورد ظن غرب است. گزارش هفته پیش آژانس میگوید که عکسهای هوایی حاکی از وجود «فعالیت های پنهان گرا» در این تأسیسات هستند. ایران به این عنوان که در پارچین، تأسیسات نظامی برپا هستند، اجازه تفتیش به آژانس نداده است. به گزارش فارس نیوز، فریدون عباسی دوانی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران می گوید: «دلایل و مدرکی که بازرسی از تأسیسات

پارچین را موجه بگردانند، هنوز از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی به ما ارائه نشده است.

● آمانو، در پایان دیدارش از تهران گفت: با ایران به توافق رسیدیم و به زودی توافق نامه را امضاء خواهیم کرد. این توافق نامه امضاء نشده است. انقلاب اسلامی: پیش از گفتگوهای بغداد، باردیگر، صدای طبل جنگ بلند شد. این بار، آمریکا بود که اظهار آمادگی برای جنگ بر ضد ایران می کرد. بعد از گفتگوهای بغداد، تهدید به جنگ ادامه یافت. سنجش افکاری نیز به عمل آمد که بنا بر آن، «ایران» در همه جای جهان منفور است:

## بیزاری از «ایران مجوز به بمب اتم» و تدارک جنگ برق آسا با «ایران»:

انقلاب اسلامی: نخست به سنجش افکاری توجه کنید که برای بدست آوردن نظر ملتهای مختلف نسبت به «ایران مجوز به بمب اتمی» انجام گرفته است:

### بنا بر سنجش افکار، اکثریتی بزرگ از جهانیان موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایران و جنگ پیشگیرانه بر ضد ایران هستند:

● سنجش افکار در مقیاس جهان در باره «مجوز شدن ایران به بمب اتمی» در ۱۸ مه انتشار یافته است. این سنجش افکار توسط Pew Research Center در ۲۱ کشور انجام گرفته و حاصل آن اینست:

۱- نظر مردم کشورهای عضو گروه ۱+۵ (آلمان و آمریکا و انگلستان و چین و روسیه و فرانسه) در باره ایران و موافقت یا مخالفتشان با مجوز شدن ایران به بمب اتمی و در صورت ندادن ایران به قطعنامه های شورای امنیت، مجازات اقتصادی و نیز جنگ با ایران، از این قرار است:

● آمریکا: ۱۳ درصد نظر مساعد به ایران دارند و ۹۴ درصد مخالف مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند و ۸۰ درصد موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایران هستند و ۶۳ درصد نیز موافق جنگ پیشگیرانه برای ممانعت از مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند.

● انگلستان: ۱۶ درصد با ایران نظر موافق دارند و ۹۱ درصد مخالف آنند که ایران بمب اتمی داشته باشد و ۷۶ درصد موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایرانند. و ۵۱ درصد موافق جنگ بقصد جلوگیری از مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند.

● فرانسه: ۱۴ درصد به ایران نظر مساعد

دارد و ۹۶ درصد مخالف مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند و ۷۶ درصد موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایرانند و ۵۱ درصد موافق جنگ با هدف جلوگیری از مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند.

● آلمان: ۶ درصد نظر مساعد نسبت به ایران دارند و ۹۶ درصد مخالف مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند و ۸۰ درصد موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایرانند و ۵۰ درصد موافق جنگ پیشگیرانه بر ضد ایران هستند.

● روسیه: ۳۶ درصد نظر مساعد نسبت به ایران دارند و ۷۷ درصد مخالف مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند و ۴۶ درصد موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایرانند و ۲۴ درصد موافق جنگ پیشگیرانه برای جلوگیری از مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند.

● چین: ۲۱ درصد نظر مساعد به ایران دارند و ۵۴ درصد مخالف مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند و ۳۸ درصد موافق وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایرانند و ۳۰ درصد موافق جنگ پیشگیرانه برای جلوگیری از مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند.

● بدین قرار، هرگاه نمایندگان این ۶ کشور بخواهند برابر نظر افکار عمومی خود عمل کنند، وضع مجازاتهای سخت از حمایت افکار عمومی برخوردار می شود. حتی در مورد جنگ پیشگیرانه، غرب می تواند روی موافقت ۳۰ درصد چینی ها و ۲۴ درصد روسها حساب کند.

۲- اما نظر مردم ۲۱ کشور در باره مجوز شدن ایران به بمب اتمی: در آمریکا، ۲ درصد موافق و ۹۴ درصد مخالف و در آلمان، ۳ درصد موافق و ۹۶ درصد مخالفند و در فرانسه، ۴ درصد موافق و ۹۶ درصد مخالفند و در اسپانیا، ۴ درصد موافق و ۹۵ درصد مخالفند و در جمهوری چک، ۳ درصد موافق و ۹۴ درصد مخالفند و در انگلستان، ۴ درصد موافق و ۹۱ درصد مخالفند و در ایتالیا، ۴ درصد موافق و ۹۱ درصد مخالفند و در لهستان، ۷ درصد موافق و ۸۸ درصد مخالفند و در یونان، ۹ درصد موافق و ۸۷ درصد مخالفند و در روسیه، ۱۱ درصد موافق و ۷۷ درصد مخالفند و در ترکیه، ۲۹ موافق و ۵۴ مخالفند و در اردن، ۲۱ موافق و ۷۶ درصد مخالف هستند. و در مصر، ۲۳ درصد موافق و ۶۶ درصد مخالف هستند. و در لبنان، ۳۵ درصد موافق و ۶۲ درصد مخالفند. و در تونس، ۴۲ درصد موافق و ۴۳ درصد مخالفند و در ژاپن، ۴ درصد موافق و ۹۴ درصد مخالفند و در چین، ۲۵ درصد موافق و ۵۴ درصد مخالف هستند. در هند ۱۵ درصد موافق و ۳۴ درصد مخالفند. در پاکستان، ۵۰ درصد موافق و ۱۱ درصد مخالف هستند. و در برزیل، ۵ درصد موافق و ۹۱ درصد مخالف هستند. و در مکزیک، ۹ درصد موافق و ۸۶ درصد مخالف هستند.

● جمع های موافق و مخالف ۱۰۰ درصد نمی شوند. علت، نیاوردن در صدی از پرسش شوندگان است که به پرسش پاسخ نداده اند. بدین قرار، به استثنای پاکستان که ۵۰ درصد موافق مجوز شدن ایران به بمب اتمی هستند، بقیت جهان، با مجوز شدن ایران به بمب اتمی مخالفند. اما حتی در برخی از کشورهای مسلمان که مخالفت با مجوز شدن ایران به بمب اتمی کمتر است، اکثریت مردم مجوز شدن ایران به بمب اتمی را تهدیدآمیز می دانند:

۳- در لبنان، ۴۰ درصد تهدید آمیز نمی دانند و ۵۷ درصد تهدید آمیز نمی دانند. در مصر، ۴۶ درصد تهدید آمیز نمی دانند و ۵۴ درصد تهدید آمیز نمی دانند و در ترکیه ۳۷ درصد تهدید آمیز نمی دانند و ۴۶ درصد می دانند. در اردن، ۵۵ درصد تهدید آمیز نمی دانند و



۴۲ درصد می دانند. در تونس، ۵۷ درصد تهدید آمیز نمی دانند و ۳۱ درصد می دانند و در پاکستان، ۵۷ درصد تهدید آمیز نمی دانند و ۱۳ درصد تهدید آمیز می دانند.

۴ - موافقت با وضع مجازاتهای سخت بر ضد ایران نیز همگانی است:

میزان موافقت کشورهای ۱+۵ را با مجازاتهای سخت، در بند ۱ آوردیم. اینک کشورهای دیگر دنیا، در جمهوری چک، ۷۹ درصد موافق و ۱۷ درصد مخالفند و در ایتالیا، ۷۸ درصد موافق و ۱۵ درصد مخالف هستند. و در اسپانیا، ۷۲ درصد موافق و ۲۵ درصد مخالف هستند. و در لهستان، ۷۱ درصد موافق و ۲۱ درصد مخالف هستند. و در یونان، ۵۵ درصد موافق و ۳۹ درصد مخالف هستند. و در لبنان، ۷۴ درصد موافق و ۲۰ درصد مخالف هستند. و در مصر، ۷۱ درصد موافق و ۲۱ درصد مخالف هستند. و در اردن، ۶۸ درصد موافق و ۲۸ درصد مخالف هستند. و در ترکیه، ۳۴ درصد موافق و ۵۲ درصد مخالف هستند و در مکزیک، ۷۳ درصد موافق و ۲۳ درصد مخالفند. و در برزیل، ۶۲ درصد موافق و ۳۶ درصد مخالف هستند. در ژاپن، ۶۱ درصد موافق و ۳۴ درصد مخالف هستند.

بدین ترتیب، از دید اکثریت مردم این کشورها، ایران قربانی تحریمها، نه مظلوم که ظالم و در خور شدیدترین مجازاتها است. بدین سان، گودنا کنندگان بر ضد انقلاب مردم ایران و تجربه مردم سالاری، ایران را کشوری جلوه داده اند که در خور سخت ترین مجازاتها است. جز در سه کشور، اکثریت مردم در بقیه کشورها با جنگ پیشگیرانه بقصد جلوگیری از مهجرت شدن ایران به بمب اتمی موافق هستند:

۵ - در باره حمله نظامی به ایران: نظر های مردم کشورهای ۱+۵ را در بند اول آورده ایم. نظر های مردم کشورهای دیگر بدین قرار هستند: در جمهوری چک، ۵۵ درصد موافق و ۳۱ درصد مخالف هستند. و در اسپانیا، ۵۳ درصد موافق و ۳۷ درصد مخالفند. و در ایتالیا، ۵۲ درصد موافق و ۲۲ درصد مخالفند. و در لهستان، ۵۱ درصد موافق و ۲۲ درصد مخالفند. و در یونان، ۲۷ درصد موافق و ۳۰ درصد مخالفند. و در مصر، ۵۲ درصد موافق و ۱۷ درصد مخالفند. و در اردن، ۵۰ درصد موافق و ۲۵ درصد مخالفند. و در لبنان، ۴۶ درصد موافق و ۳۶ درصد مخالفند و در ترکیه، ۲۶ درصد موافق و ۴۲ درصد مخالفند. و در برزیل، ۵۵ درصد موافق و ۳۱ درصد مخالفند. و در مکزیک، ۵۴ درصد موافق و ۳۴ درصد مخالفند و در ژاپن، ۴۰ درصد موافق و ۴۹ درصد نیز مخالفند.

بدین قرار، حمله نظامی به ایران، از حمایت اکثریت مردم در بسیاری از کشورهای دنیا نیز برخوردار است.

۶ - اما در خود آمریکا، مخالفت طرفداران حزب جمهوریخواه با مهجرت شدن ایران به بمب اتمی، شدید تر است: میزان مخالفان و موافقان مهجرت شدن ایران به بمب اتمی از این قرار است: ۶۳ درصد اعضای احزاب مخالفند که ایران بمب اتمی داشته باشد و ۲۸ درصد موافقند که ایران بمب اتمی داشته باشد. از اعضای حزب جمهوریخواه، ۷۹ درصد مخالف و ۱۵ درصد موافق و از اعضای حزب دموکرات ۶۱ درصد مخالف و ۳۱ درصد موافق و از مستقل ها، ۵۸ درصد مخالف و ۳۳ درصد موافق هستند.

۷ - اکثریت مردم در کشورهای که در آنها، سنجش افکار به عمل آمده است، وجهه ایران را در جهان، خراب می دانند: وجهه ایران را، در آمریکا، ۶۸ درصد بد و ۱۳ درصد خوب می دانند. در یونان، ۶۲ درصد بد و ۲۷ درصد خوب می دانند. در لهستان، ۶۹ درصد بد و ۲۰ درصد خوب می دانند. در انگلستان، ۶۸ درصد بد و ۱۶ درصد خوب می دانند و در اسپانیا، ۸۴ درصد بد و ۹ درصد خوب می دانند. در جمهوری چک، ۷۷ درصد بد و ۹

## بغداد، مسکو و بعد...؟

ارتش آمریکا بوده است. لب کلام او اینست که محافظه کاران جدید آمریکا همچنان خواب حمله نظامی به ایران را می بینند و الگوئی که ارائه می دهند، همان حمله اسرائیل به مصر و دیگر کشورهای عرب، در سال ۱۹۶۷ است که به جنگ برق آسا و یا ۶ روزه معروف شد:

● بهنگام حمله اسرائیل به مصر، اسرائیل مدعی شد که چون ناصر، رئیس جمهوری وقت مصر، قوای خود را در مرزهای اسرائیل متراکم کرده و قصد حمله به ما را داشت، ما در حمله پیش دستی کردیم. اما ۱۵ سال بعد از آن، بگین، نخست وزیر اسرائیل گفت: ما باید با خود راستگو باشیم. ناصر قصد حمله به اسرائیل را نداشت اما به مصر حمله کردیم. بدین قرار، بهنگام حمله به مصر، «تهدید»ی که رژیم ناصر متوجه حیات اسرائیل کرده بود، دست آویز شد. به دنبال آن حمله، اسرائیل سرزمینهای فلسطینی را تصرف کرد و هنوز نیز بخش بزرگی از آن را در تصرف خود دارد.

● و امروز، اسرائیل مدعی می شود که ایران در کار ساختن بمب اتمی است و هدفش از میان برداشتن اسرائیل است. بدین سان، «تهدید اسرائیل توسط ایران»، دست آویز تدارک جنگ با ایران شده است. امروز، مبلغان جنگ می گویند: در یک حمله هوایی که کمتر از ۶ روز بطول خواهد انجامید، می توان اثری از تاسیسات اتمی ایران برجا نگذاشت. می گویند: امروز، اسرائیل با بزرگ ترین تهدیدهای دوران حیات خویش روبرو است. قرار گرفتن سلاح هسته ای در دست ملاحای ایران که در عین می گویند اسرائیل را باید از صفحه روزگار برداشت، خطری است که اسرائیل نمی تواند نسبت به آن لا قید بماند. امروز نیز، چون آن بار که حیات اسرائیل در خطر بود، خود باید از خود دفاع کند.

● ائتلاف نتان یاهو با حزب رقیب خود، کدیما، بخاطر تضمین حمایت همگانی از حمله اسرائیل به ایران انجام گرفته است. کراوت هامر، در این باره، می نویسد: مخالفت تنی چند از مقامات پیشین اطلاعاتی و نظامی و سیاسی اسرائیل، با آب و تاب تبلیغ شد. اما از زمانی که ائتلاف انجام گرفت بدین سو، سر و صدای مخالفان جنگ نیز خوابید. ائتلاف گویای آمادگی سیاسی اسرائیل برای حمله به ایران، اگر ضرورت ایجاد کند، است. آمادگی ارتش اسرائیل محل تردید نیست. استعفاء و مخالفت این و آن دیگر نمی تواند عزم راسخ راست گرایان اسرائیل را بر حمله به ایران سست کنند.

● بعد از انتشار مقاله کراوت هامر Krauthammer، با وجود این که این نشریه تحت نفوذ محافظه کاران جدید را خوب می شناختیم، تصمیم گرفتیم، در پاسخ به نوشته او، نامه به روزنامه بنویسیم و بخواهیم که آن را درج کند. بدیهی است امید نداشتیم که روزنامه آن را درج کند. آن نامه که روزنامه درج نکرد، اینست:

نامه به سردبیر واشنگتن پست به تاریخ ۱۳ مه ۲۰۱۲،

در ۱۰ مه، زیر عنوان «بازتاب های ۶۷: واحدهای جنگی اسرائیل»، شارل کراوت هامر به جنگ اسرائیل با اعراب، در ماه مه ۱۹۶۷، پرداخته و آن را «ماه بیشترین ترس و یأس برای اسرائیل» توصیف و آن را با وضعیت امروز و خطر ایران برای اسرائیل،

بمنابه «بزرگ ترین تهدید» برای موجودیت اسرائیل، مقایسه کرده است. و ادعای او به ضرورت راست نیست. چرا که در اوت ۱۹۸۲، مناخیم بگین، نخست وزیر وقت اسرائیل، در عین پذیرفت که در ماه ژوئن ۱۹۶۷، ما انتخاب داشتیم. قوای مصر در صحرای سینا متمرکز شده بودند. اما این بمعنای آن نبود که ناصر به راستی قصد حمله به ما را دارد. ما باید با خود راستگو باشیم. ما تصمیم گرفتیم به او حمله کنیم».

امروز نیز، «تهدید»ی که از جانب ایران متوجه اسرائیل است، خیالی است. کراوت هامر از قرار گرفتن بمب اتمی در دست ملاحای مالخولیایی ایران که در عین، اسرائیل را تهدید به نابودی می کند، می نویسد. اما از یک تهدید خیالی می نویسد و این خیال است که می خواهد واقعیت جلوه دهد. مستند او تهدید رئیس جمهوری ایران، «حذف اسرائیل از نقشه جهان» است. اما هرگز چنین سخنی نگفته است. دان میردور، معاون نخست وزیر اسرائیل، در اوائل ماه پیش، تصدیق کرد که احمدی نژاد چنین سخنی را نگفته است. و در ماه ژانویه، لئون پانتا، وزیر دفاع آمریکا و وزیر دفاع اسرائیل در عین تصدیق کردند که ایران در کار تولید بمب اتمی نیست. پیش از این دو، سازمانهای اطلاعاتی آمریکا، به اتفاق آراء تصدیق کرده بودند که ایران بمب اتمی نمی سازد.

حالا، چه کسی گرفتار مالخولیا است؟ نوشته کراوت هامر چنان شفاف است که ایجاب می کند امرهای مورد استناد او، موضوع تحقیق جدی قرار بگیرند. تا خیالی بودنشان مبرهن گردد.

### \* عصیان نظامیان و مقامات

### اطلاعاتی اسرائیل و جنگ لفظی

### میان مخالفان جنگ با ایران با

### موافقان آن:

◀ در ۱۰ مه ۲۰۱۲، خبرگزاری فرانسه از اسرائیل گزارش کرده است:

● حکومت نتان یاهو نظامیانی را که مخالفت خود را با جنگ، علنی میکنند، قویاً محکوم کرد. سران ارتش و موساد در اسرائیل وزنه دارند و جامعه اسرائیلی به موضوعگیری های آنها، واکنش نشان می دهد. وقتی این مقامها در عین، کفایت حکومت کنندگان بر اسرائیل را زیر سوال می برند، اسرائیلی ها نسبت به نظر آنها، بی تفاوت نمی مانند.

با آنکه اهود باراک وزیر دفاع اسرائیل انگیزه های سران نظامی و اطلاعاتی را در مخالفت با جنگ زیر سوال برد و متحدان نتان یاهو، به آنها سخت حمله کردند و آنها را مسئولیت ناشناس خواندند، صداقت داگان و دیسکین زیر علامت سوال نرفت. علاوه بر این، این دو تنها نیستند.

فرماندهان پیشین ارتش و حتی رئیس ستاد کنونی ارتش نظری متفاوت با نظر حکومت نتان یاهو در باره تهدید شدن اسرائیل توسط ایران دارند. معاون جدید نخست وزیر و وزیر دفاع سابق اسرائیل، شانول مفاز، پیش از آنکه با نتان یاهو ائتلاف کند و به عضویت حکومت او درآید، از دیسکین حمایت کرد. حتی در میان وزیران ارشد حکومت اسرائیل، مخالف نظر اهود باراک، وزیر دفاع، وجود دارند. بخصوص در باره فوریت حمله نظامی به ایران، موشه بوژی بالون، معاون نخست وزیر، که چون مفاز، در سابق، رئیس ستاد ارتش بوده است، در عین اهود باراک را مورد انتقاد قرار داد. بنا

بر نظر اهود باراک، خط قرمزی وجود دارد که بمحض عبور ایران از آن، اسرائیل می باید به ایران حمله کند. روشن است که تعیین این خط قرمز نیز با اسرائیل است: در باره استحکاماتی که ایران ساخته است نیز، باراک گفته است: «استحکاماتی که انسانی می سازد، انسان دیگری می تواند در آن نفوذ کند».

● با وجود این مخالفت ها، از تردید افکار عمومی اسرائیل برجا بودن جنگ یک جانبه، نباید تعجب کرد. بنا بر سنجش آرای مؤسسه بروکینگز، ۱۹ درصد اسرائیلی ها موافق حمله اسرائیل به ایران، حتی بدون حمایت آمریکا از این حمله هستند. و ۳۲ درصد با حمله به ایران مخالف هستند. بدین سان، افکار عمومی به حکومت اسرائیل اجازه دست زدن به جنگ با ایران را نمی دهد. بخصوص که هراندازه به انتقادات نزدیک تر می شویم، حساسیت حکومت نسبت به جهت یابی افکار عمومی بیشتر می شود. امر مهم اینست که هم ایرانیان و هم ناظران بین المللی، از این واقعیت آگاهند.

● با وجود انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ماه نوامبر و گفتگوهای ایران و کشورهای ۱+۵، احتمال حمله اسرائیل به ایران ضعیف است. حمله هوایی موافق اسرائیل به ایران، برای این که دقیق باشد، نیازمند آنست که شرایط آب و هوایی مساعد باشد. به سخن دیگر، اینک که بهار از دست رفته است، اسرائیل برای حمله موفق می باید منتظر بهار ۲۰۱۳ بماند. و هرگاه، میان ایران و کشورهای طرف معامله، بر سر کنترل غنی سازی اورانیوم توافق شود و اورانیومی که میزان غنی بودنش بیشتر از ۵ درصد باشد، از کشور خارج گردد، اسرائیل بهانه ای برای حمله به ایران نخواهد داشت. حکومت ائتلافی جدید با وجود این که حکومت را معتدل تر می کند، اما حمایت از حمله نظامی به ایران را گسترده تر می گرداند. به شرط این که اسرائیل امکان حمله موفق را داشته باشد.

● درسی که عصیان رؤسای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل و ارتش این کشور می آموزد، اینست که در اسرائیل نه حالت موافقت با جنگ که نگرانی نسبت به آن وجود دارد. بطرف پایان سال جاری که می رویم، دنیا با اسرائیلی طرف می شود که همان طور که داگان و دیسکین می گویند، مصمم است به ایران حمله نظامی کند. و از دید اینگونه شخصیت ها، چنین جنگی موجه نیست.

### \* مدودو نخست وزیر روسیه:

### حمله به سوریه و ایران می تواند

### به جنگ اتمی بیانجامد:

◀ در ۱۷ مه، مدودو، نخست وزیر روسیه، برای شرکت در کنفرانس سران ۸ کشور، در آمریکا بود. او در کنفرانس مطبوعاتی گفت: روسیه قویاً مخالف جنگ با سوریه و ایران است: «اقدام به جنگ برضد حق حاکمیت کشورها می تواند به جنگی عمومی در منطقه بیانجامد. من نمی خواهم کسی را بترسانم اما هشدار می دهم که هرگاه چنین شود، کار به استعمال سلاح هسته ای می کشد. هرکسی می باید به این امر بیاندیشد.»

او نسبت به خطر جنگ هسته ای هشدار داد اما توضیح نداد چرا و چگونه حمله به این دو کشور سبب بروز جنگ اتمی می شود. ایران و سوریه سلاح هسته ای ندارند. از چه رو، جنگ با این دو کشور، به جنگ اتمی سرباز خواهد کرد؟ مگر این که روسیه نیز وارد این جنگ بگردد و کار به استعمال اسلحه اتمی بکشد.



در مورد سوریه، خطر ورود روسیه به جنگ جدی است چرا که روسیه با رژیم سوریه پیوندهای بسیار نزدیک دارد و کوششهای غرب را در حمایت از شورشیان و گرفتار کردن سوریه به جنگ داخلی بشدت محکوم می کند. روسیه از سوریه حمایت می کند و قطعنامه های پیشنهادی به شورای امنیت بر ضد رژیم سوریه را محکوم کرده است.

انقلاب اسلامی: هشدار مدودو مستند است به واقعیت های زیر:

## در همان حال که اوپاما به شکیبائی سفارش می کند، ژنرال ماتیس جنگ با ایران را تدارک می بیند و ناتو در کار ایجاد سپر دفاع موشکی است:

### \* در همان حال که اوپاما به شکیبایی سفارش می کند، ژنرال ماتیس James Mattis در تدارک جنگ با ایران است:

◀ در ۲۱ مه ۲۰۱۲، الی لک گزارش انحصاری در باره تدارک جنگ سوم خلیج فارس توسط مرکز فرماندهی ارتش آمریکا، انتشار داده است:

● در همان حال که دیپلماتهای غربی در بغداد می کوشند رهبران ایران را متقاعد کنند که فعالیت های اتمی خود را شفاف کنند، ژنرال جیمس ماتیس، چشم به خلیج فارس دوخته است و در تدارک جنگ با ایران است.

ماتیس می خواهد ناو هواپیما بر سوم و ناوگان همراهِش را روانه خلیج فارس کند. او می خواهد به ایران که نیروی دریایی آمریکا را تهدید می کند و دم از بستن تنگه هرمز می زند، قدرت آمریکا را نشان بدهد. بنا بر قول مقامات نظامی، ژنرال چهار ستاره و فرمانده مرکز فرماندهی ارتش آمریکا بر این باور است که نشان دادن قدرت نظامی آمریکا، مقامات ایران را از تشدید تنش بازمی دارد. رئیس جمهوری مایل است منابع نظامی را به هدفهایی اختصاص دهد که اینک تقدم جسته اند. مثل چین و به ماتیس گفته شده است که یک ناو هواپیما بر سوم و ناوهای جنگی همراهی کننده ای، آماده گسیل به خلیج فارس، در اختیار نیست.

● ناوگانی که ماتیس برای خلیج فارس می خواهد خاص چندین مأموریت در افریقای شرقی و خاورمیانه و آسیای جنوبی است. ماتیس که برای حکومت اوپاما کار می کند، اغلب خود را به حال خودرها شده می یابد، بخصوص در مورد ایران.

منابع نزدیک به ژنرال، با The Beast گفته اند که ماتیس شگفت زده و نگران است از این که تصمیم رئیس جمهوری در ماه نوامبر به تخلیه کامل عراق، ارتش آمریکا را از دسترسی به پایگاه های کشور محروم کرده و تدابیر اندکی برای حفظ موقعیتش در منطقه اتخاذ شده اند. نظامیان با حکومت عراق در باره ادامه دسترسی ارتش آمریکا به پایگاه های نظامی در عراق، برای تعلیم و تدریب و نیز مبارزه با تروریسم، گفتگو می کردند. تا این که، در ماه نوامبر، اوپاما تصمیم خود را به تخلیه عراق، به وسایل ارتباط جمعی

## بغداد، مسکو و بعد...؟

ناتو توانائی دفاع موشکی از تمامی اروپائیان را خواهد یافت.

● اما دفاع موشکی در برابر حمله موشکی چه کشوری است؟ ایجاد پایگاه های موشکی تنش های شدید میان روسیه و ناتو پدید آورد. ناتو اصرار ورزید و امروز نیز می گوید هدف از ایجاد چتر دفاع، دفاع از اروپا در برابر حمله موشکی ایران است. حال این که پایگاه ها در مرزهای روسیه ایجاد می شوند!

انقلاب اسلامی: یادآور می شود که کارشناسان غرب گفته اند هدف تحمیل بودجه نظامی کمر شکن به ایران و از یادآوردن ایران زیر بار سنگین این هزینه است. تحریمها از سوئی و فرار دادن ایران زیر چتر موشکی از سوی دیگر، کمر اقتصاد ایران را چنان خواهد شکست که دیگر نتواند کمر راست کند.

### \* کنگره، چراغ سبز جنگ با ایران را داده است:

◀ گلوبال ریسرچ در ۲۲ مه ۲۰۱۲، یک روز پیش از گفتگوهای بغداد، به قلم استفان لندمن، «اعلان نیمه رسمی جنگ» مصوب کنگره را گزارش کرده است:

● سرمقاله نیویورک تایمز و تحلیل و تفسیرهای منتشره در این روزنامه صراحت دارند بر این که در مورد ایران و سوریه، خواهان استفاده از هر وسیله بر ضد این دو رژیم هستند. قوانین بین المللی اجازه مداخله در امور کشورها را نمی دهد اما کنگره اجازه مداخله در ایران و سوریه را می دهد و وسایل ارتباط جمعی نظیر نیویورک تایمز نیز به توجیه آن می پردازند. طرفه این که نیویورک تایمز قول ناتو را در باره افغانستان نادرست ارزیابی می کند و می نویسد قوای ناتو بیش از پیش مهار خود را بر افغانستان از دست می دهند. با این حال، توجیه گر مداخله نظامی در ایران و سوریه می شود.

● هدفهای حیاتی را نه کنگره تعریف می کند و نه وسایل ارتباط جمعی. هیچ نه معلوم که کدامست آن هدف حیاتی که جنگ با ایران و یا مداخله نظامی در سوریه را باید ضرور بگرداند. آیا معلوم این نیست که نوبت به جنگ با ایران و سوریه رسیده است؟

### \* ناتو اروپا را تحت چتر دفاع موشکی قرار می دهد:

◀ در اجتماع سران ۸ کشور و نیز در اجتماع سران کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی، پرداختن به «مسئله ایران» از تقدم برخوردار شد. در ۲۱ مه ۲۰۱۲، جزن دیتز، گزارش کوتاه و گویائی در باره تصمیم ناتو پیرامون چتر دفاع موشکی انتشار داد:

● در این روز، ۲۱ مه، اعلان کرد که چتر دفاعی اروپا «موقتا عملیاتی» شده و به «مرحله اول» رسیده است. معنای رسمی این اعلان اینست که آمریکا کنترل سامانه رادار در ترکیه را در اختیار ناتو قرار داده است و کنترل مستقیم سامانه دفاع موشکی مستقر در کشتی های جنگی مستقر در منطقه را در دست خود دارد. سامانه دفاع موشکی در سال ۲۰۱۸، بطور کامل عملیاتی خواهد شد.

● آندرس فوگ راسموسن، دبیر کل ناتو، امروز اعلان کرد که قدم اول و مهم برای رسیدن به هدف، برداشته شد و بسا

تروریسم، تشجیع و وسیله ای در اختیارش می گذارد برای تهدید همسایه ها، از جمله اسرائیل.

۳ - با برخورداری از کمک ایران در طول سالهای گذشته، سوریه و حزب الله و حماس انبارهای خود را از موشکها پر کرده اند. هم اکنون ۶۰ هزار موشک آماده پرتاب بسوی اسرائیل هستند. ایران همچنان در کار افزودن بر شمار موشکهای دوربر و موشکهای گروز خویش است و با این موشکها، همسایه ها و اسرائیل و قوای آمریکا در منطقه را تهدید می کند.

۴ - بازداشتن ایران از مجهز شدن به سلاح هسته ای، فوری ترین هدف بلحاظ امنیت ملی آمریکا است.

۵ - حکومتی که پی در پی بر سرکار آمده اند تصریح کرده اند که مجهز شدن ایران به سلاح هسته ای غیر قابل قبول است.

۶ - پوزیدنت اوپاما در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲، گفته است: «بگذارید جای تردید باقی نگذارم: آمریکا مصمم است ایران را از مجهز شدن به سلاح هسته ای بازدارد و برای رسیدن به این مقصود، هیچ گزینه ای را از روی میز بر نمی دارد.»

۷ - برای جلوگیری از مجهز شدن ایران به سلاح هسته ای، آمریکا، با همکاری متحدان خویش، می باید تمامی امکانات ناشی از توان ملی، شامل دیپلماسی و مجازاتهای اقتصادی سخت و تدارک اقدام نظامی به ترتیبی که قابل مشاهده و معتبر باشد، را بکار گیرد.

۸ - با وجود این، امروز، گشایش دیپلماتیک و مجازاتها و اقدامات غیر نظامی دیگر، ایران را از اجرای برنامه تولید بمب اتمی باز نداشته اند.

۹ - باتوجه به نا مطمئن بودن اثر مجازاتهای اقتصادی شدیدتر بر دولت ایران، فشار بیشتر، از راه تهدید به حمله تاسیسات اتمی، تهدیدی معتبر، می باید بعمل آید.

● بند ۱۲۲۲ راجع است به آمادگی نظامی آمریکا در خاورمیانه:

۱ - تمرینات نظامی که در خلیج فارس و دریای عمان انجام می گیرند می باید گویای هدف های آمریکا تشریح شده در بند ۱۲۲۱ باشند. می باید توانائی و آمادگی ارتش آمریکا و متحدانش در منطقه، بطور مداوم افزایش یابند و مرتب به ایران علامت داده شود که آمریکا آماده دفاع از منافع حیاتی خود و متحدانش هست.

۲ - رئیس جمهوری، بمنابۀ فرمانده کل قوا، می باید حضور ناوگان پنجم آمریکا را در خاورمیانه بیشتر کند. این نیرو از راه آرایش جنگی و تمرین ها و دیگر اقدام های قابل مشاهده و مشخص، آمادگی بایسته را برای اجرای هدفهای مندرج در بند، داشته باشد.

۱ - اقدام عمومی: وزیر دفاع طرحی تهیه می کند برای افزایش حضور ناوگان پنجم در خاورمیانه و هدایت آرایشهای نظامی و تمرین ها و یا آمادگی های نظامی ملموس و قابل مشاهده دیگر. تا که این نیرو آماده قرار گرفتن در خدمت هدفهای مندرج در بند ۱۲۲۱ را همواره داشته باشد.

۲ - طرح مذکور در ماده یک، در برمی گیرد قدمهای ضرور را که برداشتن آنها هدفهای مندرج در بند ۱۲۲۱، ایجاب می کند:

الف - برخوردار کردن این نیرو از شمار لازم هواپیما و مهمات و سوخت و دیگر تجهیزات که نیروهای هوائی و دریائی

برای عملیات در خاورمیانه و اقیانوس هند، نیاز دارند.

ب - نگاه داشتن کشتی های جنگی لازم در منطقه تا که علامت آن باشد که آمریکا هم مصمم است و هم توانائی انجام حمله همزمان هوائی و دریائی بر ضد تاسیسات اتمی و پایگاه ها و تاسیسات نظامی ایران را دارد و می تواند حمله های انتقامی ایران به منافع آمریکا در منطقه را خنثی کند.

ج - بحث در باره استقرار دو ناو هواپیما بر در خلیج فارس و فراوان کشتی های جنگی و اسکاداران مین جمع کن بطور مداوم برای حمایت از اقدامات متروح در بند ب.

د - ترتیب دادن تمرین های نظامی همانند مانور ناوگان پنجم در مارس ۲۰۰۷ برای نشان دادن توان قوای ما به بازنگاه داشتن تنگه هرمز و دفاع در برابر موشکهای ضد کشتی و حمله های قایقهای جنگی سریع السیر.

سنا نیز طرح مشابهی را به تصویب رسانده است.

◀ در ۲۸ مه ۲۰۱۲، یانه تا، وزیر دفاع آمریکا گفته است: نه تنها گزینش نظامی روی میز است، بلکه نقشه حمله به ایران نیز آماده است.

انقلاب اسلامی: بدین سان، کنگره نه تنها اجازه جنگ با ایران را داده است، بلکه وزارت دفاع آمریکا را موظف کرده است بلا درنگ بکار تدارک آن پردازد و کارها که باید بکند را نیز معین کرده است. وزیر دفاع آمریکا نیز می گوید: نقشه حمله آماده است. در ایران نیز، حکومت احمدی نژاد به وارد کردن ضربه های نفیس کبر بر اقتصاد ایران، موفقیت آمیز شدن تحریمها و بسا جنگ را تضمین می کنند:

### ژاله وفا

## قانون بودجه ۹۱ نماد واپسین ضربه بر اقتصاد ایران، پیشروی تحریم

در شرایطی که بنیان اقتصاد ایران را رکود همراه با تورم می لرزاند و سیاستهای بحران ساز نظام ولایت فقیه خصوصا در امر هسته ای ایران را با تهدید تحریم ها و حتی خطر جنگ روبرو ساخته است، مجلس نظام ولایت فقیه بودجه سال ۱۳۹۱ را در حالی به تصویب رساند که این بودجه هم نماد واپسین ضربه بر اقتصاد ایران، پیشروی تحریم است، هم به شدت به صادرات نفت و گاز کشور که موضوع اصلی تحریم های بین المللی است، وابسته است و هم بودجه ای افساطی و تحقق نیافتنی است.

اصولا کل بودجه های مصوب در دولتهای نظام ولایت فقیه در واقع رانت است و ترکیب در آمد های آن وابسته است به فروش منابع نفت و گاز کشور و همچنین استقرار داخلی و خارجی و نیز فروش دارائی های دولت. در واقع به جز در آمدهای نفتی مابقی بودجه کسر است! و بودجه سال ۱۳۹۱ نیز از آن مستثنی نیست.

برای معلوم شدن این ادعای نگارنده به ارقام قانون بودجه سال ۱۳۹۱ توجه می کنیم:



کار بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ دولت محمود احمدی نژاد، روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ برابر با ۱۷ می ۲۰۱۲، در مجلس نظام ولایت فقه به پایان رسید و این لایحه برای اعلام نظر به شورای نگهبان نظام فرستاده شد. مجلس نظام می بایستی قانون بودجه را تا ۳۱ اردیبهشت ماه تصویب و به دولت ابلاغ می کرد ولی به دلیل این که احمدی نژاد به جای روز ۱۵ آذر ماه، لایحه را دو ماه دیرتر به مجلس داده بود، مجلس برای هزینه ها و درآمدهای دولت در دو ماه فروردین و اردیبهشت اعتباری ۲۲ هزار میلیارد تومانی در نظر گرفت تا تکلیف بودجه روشن شود. شورای نگهبان نظام نیز به فاصله چند روز بودجه ۹۱ را تأیید کرد و به دولت ابلاغ شد. پس از انتشار اخباری در ۳ خرداد ۹۱ مبنی بر ارجاع بودجه سال ۹۱ از سوی احمدی نژاد به هیات عالی حل اختلاف قوا، این خبر از سوی وی تکذیب شد و احمدی نژاد در ابلاغیه بودجه ۹۱ خطاب به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی خود، قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور را به دلیل آنچه تغییرات گسترده صورت گرفته توسط مجلس اعلام کرد، قانونی استحالته شده و "طرح نمایندگان" خواند.

لازم به یاد آوری است که بودجه سالانه در نظام ولایت فقه همواره و خصوصاً در دوره احمدی نژاد، رشد فرایندهای داشته است به نحوی که در هفت سال اخیر تقریباً سه و نیم برابر شده است. مجلس نظام، این بار سقف کل بودجه دولت در سال ۹۱ را ۵۶۶ هزار میلیارد تومان تعیین کرد که بیش از ۵۱۰ هزار میلیارد تومانی است که در لایحه بودجه در نظر گرفته شده بود. بدن ترتیب بودجه سال ۱۳۹۱ در مقایسه با بودجه کل کشور در سال ۹۰ حدود ۵۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

از اینرو برخلاف ادعای مسئولین نظام، این بودجه نه انقباضی بلکه انبساطی است. گذشته از آن غلامحسین بلندیان معاون برنامه ریزی و مدیریت منابع سازمان بازرسی کل کشور در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۹۱، به گزارش آسنا در حال حاضر با قیمت رسمی دلار ۱۲۶۰ تومانی، تولید ناخالص کشورمان ۳۳۰ میلیارد دلار است. اگر این رقم را مورد استناد قرار دهیم، پس بودجه ۵۶۶ هزار میلیارد تومانی سال (برابر با ۴۵۳ میلیارد دلار به ازای هر دلار ۱۲۲۶ تومان ملحوظ داشته شده در بودجه ۹۱ و به نرخ هر دلار ۱۲۶۰ مبالغه گرفته شده در محاسبه آقای بلندیان، بودجه برابر با ۴۴۹ میلیارد دلاری سال ۹۱) حتی حدود ۱۱۹ میلیارد دلار بیشتر از تولید ناخالص داخلی است! و این رقم سازی بیش از اندازه بودجه را آشکار می سازد. در قانون بودجه سال ۹۱، قیمت هر بشکه نفت ۸۵ دلار و هر دلار ۱۲۲۶ تومان در نظر گرفته شده است و منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده های نفتی ۶۱ هزار و ۵۵ میلیارد تومان تعیین شده است. قابل توجه اینکه میزان ۶۱ هزار و ۵۵ میلیارد تومان فقط استفاده از نفت در بودجه عمومی است. جدای از آن در بخش وابستگی بودجه به نفت ۱۴ درصد بابت هزینه های جاری و عمرانی به شرکت ملی نفت و ۲۳ درصد هم به صندوق توسعه ملی تعلق یافته است که مجموع آنها سهم آشکار نفت را در بودجه ۹۱ تا حدودی مشخص می کند. بگذریم از سهم نفت در بخش درآمدهای مالیاتی که اغلب آن بصورت مستقیم و غیر مستقیم به نفت وابسته است.

در قانون بودجه سال ۹۱ همچنین درآمدهای مالیاتی دولت ۴۵ هزار و ۷۷۲ میلیارد تومان تعیین شده است. جالب توجه اینکه میزان درآمد حاصل از حذف یارانه های افزایش قیمت حاملهای انرژی در لایحه دولت ۱۳۵ هزار میلیارد تومان تعیین شده بود، اما مجلس نظام آن را به ۶۶ هزار میلیارد تومان کاهش داد. البته در قانون مجلس از میزان ۶۶ هزار میلیارد تومان

بودجه هدفمندی یارانه ها، حدود ۸ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه نقدی، ۲ هزار میلیارد تومان برای بیمه درمانی و تأمین اجتماعی، ۱۰ هزار میلیارد تومان برای حمایت از تولید و ۶ هزار میلیارد تومان برای تأمین سلامت و بهداشت مردم اختصاص یافته که دولت می تواند ۲ هزار میلیارد تومان نیز از منابع دیگر تأمین کرده و تا ۸ هزار میلیارد تومان به بخش بهداشت و درمان اختصاص دهد.

با یک نگاه ساده خواننده محترم متوجه می شود که میزان درآمدهایی حاصل از آزاد سازی قیمت حاملهای انرژی یعنی ۶۶ هزار میلیارد تومان (و با حتی اگر صرفاً مبلغ ۴۸ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه نقدی را هم در نظر بگیریم) از میزان مالیاتی که قرار است دولت وصول کند یعنی ۴۵ هزار و ۷۷۲ میلیارد تومان، بیشتر است! این بدین معنا است که در واقع این دولت است که به مردم مالیات می دهد و نه بالعکس. در حالی که در همه کشورهای دارای نظامهای دموکراسی این دولت است که به مالیات مردم وابسته است، در ایران وطن ما روند هر ساله بودجه نویسی نشانگر وابستگی هر چه بیشتر مردم به درآمدهای دولتی است. و همین یک امر خود چرایی تمایل استبدادی نظام را گزارشگر است. دولتی که بودجه اش به جای وابسته بودن به درآمدهای مالیاتی، خود توزیع کننده در آمد بین مردم است، آنهم از منابعی که نه تنها متعلق به این نسل بلکه نسلهای آینده است، سبطه خود را بر ملت استحقاق می بخشد. بی شک نظامی استبدادی همچون نظام ولایت فقیه که بدین ترتیب تمامی ابزار سرکوب ملتی که چشمش برای خرجی ماهانه اش بدست دولت است را در دست دارد، آن حربه را علیه آن ملت وابسته به خود نیز بکار خواهد برد. چرا که زیادت طلبی و میل به تمرکز نیروها در خود از خاصیتها و الزامات قدرت است.

بند ۴۶ قانون بودجه مقرر میکند که دولت نمی تواند قیمت انرژی و سایر کالاهای یارانه های را بیش از بیست درصد (۲۰٪) نسبت به سال ۱۳۸۹ افزایش دهد.

ح- اختصاص هرگونه وجهی برای اجرای قانون هدفمندی یارانه ها، غیر از وجوه حاصل از محل اصلاح قیمت حاملهای انرژی و سایر کالاهای خدمات موضوع قانون هدفمندی یارانه ها به جز یارانه های موضوع قانون بودجه، ممنوع است.

اما به قول احمد توکلی (۲۲ اردیبهشت ۹۱ سایت الف) عضو کمیسیون تلفیق مجلس نظام، دولتی که بایستی این قانون را اجرا کند: "در اجرای قانون ۱۶ ماده ای هدفمند کردن ۱۷ حکم را نقض کرده است." و باز به نقل از توکلی حتی استدلال موافقان دولت در کمیسیون تلفیق بطور خلاصه این بود که: "آقای احمدی نژاد در هر حال این قانون را اجرا نمی کند جز بخش پرداخت نقدی آن را!!"، پس بر خوانندگان محرز است که دولت احمدی نژاد نه وقتی به قانون بودجه مصوب مجلس نظام که خود آنرا "طرح نمایندگان" خوانده می گذارد و نه همانند سال ۹۰ بخش یارانه اختصاص یافته به تولید را پرداخت خواهد کرد!

مجلس نظام در قانون بودجه ۹۱ هم چنین به دولت اجازه داده است تا سقف ۲۵ میلیارد دلار اوراق مشارکت بفروشد؛ همچنین حدود ۳۰ میلیارد دلار تسهیلات مالی خارجی با فائز جلب کند و حدود ۲۳ میلیارد دلار از اموال و دارایی هایش را برای پرداخت بدهی هایش بفرشد.

قبل از پرداختن به وضعیت اوراق مشارکت و بررسی تبعات نوع استفاده

## بغداد، مسکو و بعد...؟

دولت از آن و اثراتش بر روی افزایش تورم در شماره آینده این نوشتار، خاطر نشان خوانندگان گرامی مینمایم که صدور اجازه صدور ۲۵ میلیارد دلار اوراق مشارکت به دولت در واقع همان قرصه داخلی از سیستم بانکی است. بدین ترتیب بودجه سال ۹۱ چه در بخش بودجه عمومی و بودجه شرکت های دولتی دارای حجم قابل توجهی کسری بوده است که از طریق انتشار اوراق مشارکت و فروش دارایی توسط دولت به صورت غیر شفاف پوشش داده شده است.

همانگونه که در ابتدای این نوشتار اعلام کردم بودجه امسال نیز باز خلاصه می شود به درآمدهای حاصل از فروش نفت و افزایش قیمت حاملهای انرژی که باز به منابع نفتی وابسته است و قرصه از سیستم داخلی و خارجی و فروش دارایی های دولت، و باز برای اینکه بی اعتباری وعده و وعیدها و قوانین مصوب و برنامه های به اصطلاح "توسعه" نظام ولایت فقیه محرز گردد، یاد آور خوانندگان محترم می شوم که بر اساس قانون "برنامه چهارم توسعه" که دو سال است پایان یافته است! "دولت مکلف بوده است سهم اعتبارات هزینه ای تأمین شده از محل درآمدهای غیر نفتی را به گونه ای افزایش دهد که تا پایان این برنامه، اعتبارات هزینه ای به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی تأمین شود و تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی ممنوع می باشد!"

در بخش دوم این نوشتار نحوه رفتار دولت را با اوراق مشارکت و قرصه داخلی و نیز سایر موارد مهم بودجه سال ۹۱ را خصوصاً حیف و میل اموال مردم را در قالب خاصه خرجی های ملحوظ شده در این قانون بودجه که اطلاع مردم از آن بی فایده نمی باشد را بررسی می نمایم.

انقلاب اسلامی؛ و چگونه حکومت احمدی نژاد سیاست ویران سازی اقتصاد تولید محور را اجرا می کند؟

## حکومت تولید را ریشه کن می کند و بیکاری و گرانی و آسیبهای اجتماعی تولید می کند:

\*دولت تولید را ریشه کن کرد/ بیکاری گسترده در کشور تصادفی نیست/ دل بستگی به منافع ملی در سیاست های دولت غایب است:

◀ در ۲ خرداد ۹۱، فرارو گزارش کرده است: دکتر حسین زاغفر، استاد دانشگاه و کارشناس مسائل اقتصادی می گوید: «به اعتقاد من اقدامات دولت اقداماتی اتفاقی نیست و در این شش، هفت سال گذشته تمام سیاست های دولت نهم و دهم دقیقاً در جهت ریشه کنی تولید در کشور بوده که ظاهراً این سیاست ها جواب داده و این بیکاری گسترده که اکنون در کشور وجود دارد امری

تصادفی نیست و محصول سیاست های دولت است که با هدف خاصی انجام گرفته است.»

تشدید بحران رکود اقتصادی در کشور و اینکه عرضه نیروی کار فراوان با ایجاد فرصت های جدید شغلی همخوانی ندارد باعث شده جمع کثیری از کارگران به راحتی اخراج شوند.

جندی بیش دبیر اجرایی خانه کارگر تهران با اعلام این موضوع نسبت به عواقب روی آوردن برخی بنگاه های بزرگ کشور به اخراج نیروهای کار هشدار داد.

اسماعیل حق پرستی با بیان اینکه موجه جدیدی از اخراج کارگران به راه افتاده است اظهار داشت: اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی با افزایش مشکلات ناچارند با بخش اعظمی از نیروی کار خود تمديد قرار داد نکنند یا نسبت به اخراج آنان اقدام کنند.

از سوی دیگر موج فرآیندهای از جوانان در حالی از دانشگاهها فارغ التحصیل می شوند که برای آنها در جامعه کاری وجود ندارد.

● چه عواملی به رشد بیکاری دامن زده است؟ پیامدهای این آیدمی بیکاری چیست؟ پاسخ اینست: بیکاری موجود نتیجه سیاست های ضد تولیدی دولت های نهم و دهم است.

دکتر حسین زاغفر می گوید: «نرخ بالای بیکاری در کشور نتیجه سیاست های ضد تولیدی دولت های نهم و دهم است و به اعتقاد من سیاست های ضد تولیدی دولت یک برنامه حساب شده برای تعطیلی تولید در ایران بوده که مراحل مختلف آن در حال اجرا است. از جمله شواهد این ادعا می توان به این مسئله اشاره کرد که در سالی که به نام تولید ملی نام گذاری شده و به دولت گفته می شود کالاها و خدماتی که در داخل کشور قابل تولید است را وارد نکنند، دولت اقدام به واردات گسترده می کند.»

● سیاست های دولت با هدف تخریب تولید داخلی اتخاذ می شود: «به نظر من هیچ یک از سیاست های دولت نمی تواند اتفاقی باشد و کاملاً تنظیم شده و با هدف تخریب تولید در داخل کشور اتخاذ می شود. شما می بینید دولت رسماً اعلام می کند که قصد واردات ۲۴ میلیارد دلار کالاهایی را دارد که در داخل کشور قابل تولید است. کالاهایی از جمله منابع تولید محصولات کشاورزی و دامی و جالب است که این موضوع را تصمیم انقلابی هیات دولت نیز می نامد. در این بین ما شاهد هستیم که دهها شرکت تولیدکننده منابع دام و طیور و دامداری ها به دلیل عدم حمایت های دولت و به دلیل افزایش قیمت هزینه های نهاده ها و به خصوص انرژی در اثر طرح موسوم به هدفمندی یارانه ها که عملاً طرح آزادسازی قیمت ها بود دچار ورشکستگی شده و یا در آستانه ورشکستگی هستند و یا بسیاری از فعالیت های خود را تعطیل کردند.»

این مبلغ ۲۴ میلیارد دلار با دلار ۱۷۰۰ تومان بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان می شود و اگر دولت فقط همین ۴۰ هزار میلیارد تومان را به جای اینکه دور بریزد و به تولیدکننده دام و طیور بوزریلی و یا برنج کار هندی و پاکستانی بدهد و هیچ بازگشتی نداشته باشد و فقط توانسته باشد با این کار قیمت بازار را برای شش ماه به تعبیر خود کنترل کند، می توانست یک کار دانه می کند. دولت می توانست این ۴۰ هزار میلیارد تومان را با وام ارزان قیمت و با نرخ بهره پایین در اختیار تولیدکننده های داخلی قرار دهد و در قبال آن از آنها تعهد بگیرد که عرضه بازار را تأمین کنند که من مسلم می دانم در این صورت نه

تنها اشتغال زیادی در این بخش ها بوجود خواهد آمد و دهها هزار نفر شاغل خواهند شد و تولید ملی افزایش پیدا خواهد کرد و رونق اقتصادی حاصل خواهد شد، بلکه این کار باعث تقویت بنیان های تولید شده و استمرار تولید در این حوزه ها برای سال های آینده تضمین خواهد شد. در حالی که اگر دولت این ۴۰ هزار میلیارد تومان را صرف واردات کند شش ماه بعد دوباره بازارها خالی می شود.»

● دل بستگی به منافع ملی در سیاست های دولت غایب است. وی می افزاید: «به اعتقاد من درک این مسئله نیازمند این نیست که کسی اقتصاد بداند و یا از فهم بالایی برخوردار باشد بلکه فقط نیازمند دل بستگی به منافع ملی است که این موضوع در سیاست های دولت غایب است. مهم ترین پیامد بیکاری در حوزه اقتصادی آسیب هایی است که به بنیان های تولید در کشور وارد می شود و آنگاه اعتماد تولیدکنندگان اولین موضوعی است که مورد هدف واقع می شود. این امر باعث می شود تولیدکنندگانی که در آینده بخواهند در این زمینه ها سرمایه گذاری کنند به دلیل عملکرد دلخواهی دولت ها نسبت به آینده سیاست هایی که در این حوزه ها وجود خواهد داشت که در اثر تجربه عملکرد دولت های گذشته بوجود آمده بسیار با احتیاط عمل کرده و وارد فعالیت نشوند. یعنی یکی از عوارض جدی آن سلب اعتماد از سرمایه گذاران آتی است. بدین معنا که علاوه بر اینکه ریشه های اقتصادی نهادها و بنگاههای فعال موجود سوزانده شده در آینده هم تأثیر منفی بر روی اعتماد سرمایه گذاران نسبت به سیاست های دولت های آتی گذاشته تا کسی جرأت سرمایه گذاری نداشته باشد.»

«نکته دیگر اینکه بنگاههایی که تعطیل می شوند اقدام به جمع آوری منابع باقی مانده خود کرده و از کشور خارج و یا وارد فعالیت های دلالتی می شوند. در این وضعیت سفته بازی بیش از پیش رونق خواهد گرفت و این موضوع خود باعث افزایش قیمت سایر کالاها در بازار می شود و به افزایش تقاضا دامن زده و نقدینگی را به شدت افزایش می دهد که این موضوعات همگی عواملی تورم زا هستند و آن وقت رکود نوام یا تورم شکل گرفته که در همه جای دنیا آثار بسیار مخربی بر حوزه اقتصاد و اجتماع دارد.»

\*اعتراض مجلس به سیاست های ضدتولیدی دولت:

◀ در ۲۶ اردیبهشت، سایت الف اعتراض نامه «نمایندگان» به احمدی نژاد را انتشار داده است: ۲۰۰ نفر از نمایندگان مجلس در بیانیه ای نسبت به امنیت غذایی کشور به دولت هشدار دادند و اعلام کردند: جای تأسف است که در سال تولید ملی ضد تولید ملی عمل می شود: به گزارش الف، متن بیانیه به این شرح است:

جناب آقای احمدی نژاد، رئیس جمهور محترم اقدامات و رویه بخشی از دولت می رود تا خسارات جبران ناپذیری به تولید کشاورزی و امنیت غذایی کشور وارد کند.

چند ماهی است که ذخیره ژنتیک کشور در بخش تولید شیر مورد مخاطره شدید قرار گرفته است و هزاران گاو شیری کشور به کشتارگاه تحویل شده اند. جبران این واقعه تأسف آور میسر نیست مگر با سالها وقت و سرمایه گذاری زیاد. افزایش شدید قیمت علوفه، دامداران را





با ضرر سنگین مواجه می‌کند و با ادامه این روال دولت مجبور به واردات شیر خشک خارجی خواهد شد. بعلاوه تعداد زیادی از واحدهای تولید شیر تعطیل و جمعیتی از بیکاران به خیل بیکاران کشور افزوده خواهد شد. نورم ناشی از گرانی محصولات لبنی پذیرفتنی نیست و لیکن تعطیلی عوامل تولید و ایجاد بیکاری به مراتب تلخ‌تر است تعیین قیمت غیر کارشناسی و غیر منصفانه شیر به هر کیلو ۶۳۰ تومان در حالی که قیمت تمام شده حدود ۸۰۰ تومان برای هر کیلو است. تعیین مبلغ ۳۹۵ تومان برای خرید تضمینی هر کیلو گندم، در حالی که قیمت تمام شده حدود ۵۵۰ تومان در کیلو محاسبه شده است از مصادیق بارز کار غیر کارشناسی و تحمیلی و خسارت آور بر ضد تولید است.

سیاست های اتخاذ شده در روزهای اخیر دقیقا در راستای نابودی تولید کنندگان بخش کشاورزی و توجیه واردات بی رویه و ایجاد رانت های فراوان اقتصادی است و نشانه آن تصویب ۲۴ میلیارد دلار برای واردات کالاهای اساسی است.

بر اساس قانون قیمت خرید تضمینی باید متضمن هزینه تمام شده تولید به علاوه سودی عادلانه برای تولید کننده باشد.

همچنین دولت مکلف است نرخ تضمینی خرید را متناسب با تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی افزایش دهد آیا این تحقق همان شعار عدالت طلبی است؟ چرا دولت قیمت خودرو و امثال آن را کنترل نمی‌کند و حداکثر فشار را به تولید کنندگان شیر و گندم وارد می‌کند؟

جای تاسف است که در سال تولید ملی ضد تولید ملی عمل می‌شود و به جای کمک به کاهش هزینه تولید، خود تولید هدف قرار می‌گیرد.

انتظار جدی جهت اقدام موثر و سریع دولت و برطرف کردن این ظلم فاحش و اعلام نتیجه به مجلس شورای اسلامی را داریم.

### \* نرخ بیکاری بیش از ۲۳ درصد است و پول سرگردان در کشور ۲۰۰ هزار میلیارد تومان است:

◀ در ۶ خرداد ۹۱، ایلنا گزارش کرده است: حسن اعتضادی با تاکید بر لزوم افزایش سیاست های حمایتی دولت از اقلیت های مذهبی در مناطق مرزی کشور خاطر نشان ساخت: هم اکنون مردمی که در مناطق مرزی کشور زندگی می‌کنند به دلیل عدم وجود فرصت های شغلی مجبور به قاچاق کالا هستند. این کارشناس اقتصادی در گفتگو با خبرنگار ایلنا اعلام کرد: دولت به صورت غیر مستقیم و ناخواسته موجب ترویج قاچاق کالا در مناطق مرزی شده است.

وی اجرای سیاست های غلط اقتصادی را موجب افزایش بیش از پیش نرخ بیکاری اعلام کرد و خاطر نشان ساخت: با در نظر گرفتن بیکاری پنهان می توان آمار را در کشور بیش از ۲۳ درصد اعلام کرد. اعمال تحریم ها علیه ایران سبب کاهش سرمایه گذاری خارجی شده که می توان یکی دیگر از دلایل بحران بیکاری را از تبعات این رخداد جهانی دانست.

به منظور جذب سپرده های مردم در بانک ها باید نرخ سود سپرده گذاری در بانک های کشور نرخ جذاب و قابل قبولی باشد. از این رو تا زمانی که نرخ

## بغداد، مسکو و بعد...؟

واقع و کاملا مشخص این است که قدرت دوست و رفیق و آشنا نمی‌شناسد. نوبت شماری از بانیان رسیده است و به زودی نوبت به دیگران نیز خواهد رسید. سرانجام، در آن هنگام که امواج جنبش مردمی بر می‌خیزند و استبداد و استبدادیان را می‌برد، سرنوشت باقیمانده استبدادیان، همان سرنوشت محمد رضا پهلوی و معمر قذافی و عبدالله صالح و بن علی و حسنی مبارک و دیگران خواهد شد. خامنه ای و دستیاران خود نه از سرنوشت آنان و نه حتی از سرنوشت یاران خود در بازسازی استبداد، عبرت نمی‌گیرند. سرنوشت بازماندگان برخی از شیفتگان قدرت، بس عبرت آموز است:

پیش از شرح سرنوشت آنان، بجا دیدیم گفتگوی حضوری و بحث بنی صدر و مهندس بازرگان با برخی از عوامل تثبیت استبداد و خشونت را، در حضور خمینی، به نقل از کتاب ایستاده بر آرمان از نظر خوانندگان بگذرانیم:

«...بنی صدر در حضور آقای خمینی نیز با آن ها تعارف نداشت و در جلسه هایی که با حضور آقای خمینی، رفسنجانی، بهشتی و رجایی برگزار می‌شد از گفتن حق ایا نمی‌کرد. بس از آنکه بنی صدر مسئولان حزب جمهوری را به مناظره و بحث آزاد در تلویزیون دعوت کرد، آقای خمینی آن ها را خواست و جلسه ای برپا کرد. بنی صدر در این باره می‌گوید:

"۲۵ اسفند ۵۹ آقای خمینی ما را نزد خودش خواند. وقتی در اطاق جمع شدیم، خمینی روی کاناپه نشسته بود، من و مهندس بازرگان روی همان کاناپه در کنار او نشسته بودیم، رجایی و بهشتی و هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی و علی خامنه ای و سید احمد خمینی روی کف اطاق نشستند.

آقای خمینی گفت: تصمیم دارید تا نابودی جمهوری اسلامی پیش بروید؟ می‌خواهید بروید در تلویزیون بحث آزاد کنید و یکدیگر را در دنیا متضخ نمایید؟ طوری که دنیا بگویند مسئولین این رژیم فاسدند؟

گفتم خیر. می‌خواهیم دنیا بدانند تنها جمعی از مسئولین فاسدند و ایران عصر انقلاب، فاسدان را تحمل نمی‌کند.

خمینی گفت: من نمی‌توانم این وضعیت را تحمل کنم. باید تکلیف معین کنم.

رفسنجانی گفت: آقای بنی صدر مجلس و شورای قضایی و شورای نگهبان را قبول ندارم، می‌خواهد همه چیز دست خودش باشد. او باید بطور علنی این مقامات را رسانی شناسد، ما هم از او بعنوان رئیس جمهور احترام می‌کنیم.

گفتم مجسمه ای می‌خواهید که وجودش زشتی های کار شما را بپوشاند. راست می‌گویید. هیچ یک از نهادها را قانونی نمی‌دانم.

خمینی گفت: خیر، قانونی هستند. گفتم خیر. غیر قانونی هستند. قانون می‌گوید رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید با شور قضات دیوان کشور منصوب شوند و شما مشورت نکردید.

بهشتی گفت: بله. زیرا آنها ما را قانونی نمی‌دانند. تصدیق بفرمایید که به این ترتیب نمی‌شود همکاری کرد.

گفتم مجلس را انتخاباتی قلبی تشکیل داده است. دولت آقای رجایی هم تحمیلی است. این آقایان از طریق شما آن را به من تحمیل کرده‌اند. بر فرض که تحمیشان قانونی باشد، بر

خلاف قانون اساسی این آقا با رفیقش اموال این مردم را به آمریکایی‌خسیده وقانون اساسی را در بسیاری از اصول نقض کرده و باید استعفا کند و تحت محاکمه قرار بگیرد. این آقایان تمام نهادها را در دست گرفته‌اند. از حالا به بعد مجلس و شورای نگهبان هم در دستشان است و به هر کار خود لباس قانونی می‌پوشانند.

خمینی گفت: بله. شما آدم صادق و ساده‌ای هستید. به اوضاع ایران وارد نبودید، از اروپا آمده بودید اوضاع را نمی‌شناختید. آقایان زرنگ بودند و مواضع را گرفتند و آمدند جلو.

گفتم شما کم لطفی می‌کنید. آقایان نگرفته‌اند بیایند جلو. شما به آنها داده‌اید. حالا کاری ندارد، شما اعلام بی طرفی و سکوت کنید بمدت یک هفته. حتی سه روز. اگر آقایان توانستند سر کارهایشان بروند معلوم می‌شود زرنگ هستند. با یک ارتش بدون اسلحه کافی در برابر لشکر عراق ایستادم، چطور از پس آقایان بر نمی‌آیم؟ شما نمی‌گذارید.

بهشتی گفت: آقای بنی صدر یک حسن دارد که همان حسن عیب اوست. حسن او این است که تا کاری موافق عقیده اش نیاید نمی‌کند و عیبش در همین حسن است که خود را بزرگترین فکر قرن می‌داند. برای ماها نه شعوری قائل است نه دین. با ایشان همیشه کار کرد.

خمینی گفت چرا؟

بهشتی گفت برای اینکه ایشان خود را اندیشه قرن می‌دونه و ما رو هم بیسواد. گفتم بی سواد و بی دین! شما فکر می‌کنید روانشناس خوبی هستید و هر چه بگویید در این آقای خمینی موثر واقع می‌شود، اما این حرف شما حکایت از آن دارد که نه اهل عقیده‌اید تا بدانید عمل به مقتضای عقیده بدون اصل قرار دادن نسبت در اندیشه و عمل ممکن نمی‌شود. آدمی باید مشورت کند تا بتواند موافق عقیده عمل کند و نه اهل علم هستید تا بدانید آنچه گفته‌ام درباره اندیشه علمی بوده است، اندیشه ای که از توحید مایه گرفته است. اما درباره بی دینی، صحیح است. من گفتم شما دین ندارید و به وطن خویش نیز علاقه ندارید. اقلاً بگذارید جنگ تمام شود، بعد سر مرا ببرید.

خمینی گفت: جنگ را شما می‌کنید؟ من می‌کنم. گفت آقای بنی صدر به ۱۱ میلیون رایش می‌نازد. از این ۱۱ میلیون، ۵۰۰ هزار تایش نامسلمان اند برای بقیه اگر تکلیف شرعی معلوم کنم، کار شما تمام می‌شود. گفت من به نصیحت اکتفا نمی‌کنم می‌توانم شما و آقای بهشتی را در این اطاق یکسال نگه دارم. گفتم ما را از هم دور نگه دارید وگرنه آسایش از خانه رخت خواهد بست. قرار شد هر کس پیشنهادش را بنویسد و به خمینی بدهد.

گفتم از مضمون پیشنهاد آقایان بهشتی و رفسنجانی اطلاع دارم. پیشنهادشان این است که یک طرف بماند و طرف دیگر برود. یعنی بنی صدر برود. حاضران خندیدند.

احمد خمینی گفت: بله. پیشنهاد کرده‌اند یک طرف برود و بگذارد طرفی که هماهنگ است کارش را بکند.

بعد آقای خمینی از اطاق بیرون رفت و قرار شد ما بمانیم و کار را به نتیجه برسانیم.

رجایی گفت: شما حق نیست به امام بگویید شما نباید خلاف قانون اساسی بکنید. این انقلاب مدیون ایشان است

وهر چه مصلحت می‌دانند باید بکنند. ایشان مختار است به قانون اساسی عمل بکند یا نکند.

با برافروختگی جواب دادم: شما روضه لازم نیست بخوانید. دیر به کلاس ریا رفتید و بلد نشده‌اید و دروغ می‌گویید. شما و جمع شما به هیچ حرف امام اعتنا و عمل نمی‌کنید، این حرف شما مثل آن است که بگویید نباید به پیامبر گفت شما نباید خود خلاف دینی که آورده‌اید عمل کنید."

در متن فوق سخنان و گفته های افرادی چون بهشتی و هاشمی و رفسنجانی و احمد خمینی و رجایی و خود آقای خمینی و بنی صدر آورده شده اند. اینک ببینیم بر سر هر یک از آنها و خانواده هاشان چه آمده است:

### \*روح الله خمینی و خانواده او:

سالها با داشتن عنوان مرجع تقلید، در قلمرو سیاست، حضور داشت. در نجف، ولایت فقیه را تدریس کرد. اما در فرانسه، طرفدار ولایت جمهور مردم شد. با پیروزی انقلاب، بهنگام تشکیل مجلس خبرگان، باز، دم از ولایت فقیه زد. بنا بر قاعده، خشونت، خشونت می‌آورد، خشونت گروه های سیاسی در این جا و آنجای کشور، برای او و دستیارانش فرصتی ایجاد کرد تا خشونت را تقدیس کنند. برضد انقلاب کودتا کنند و اسلام را مترادف با خشونت بگردانند و هنوز که هنوز است، ایرانیان و دنیای اسلام گرفتار این خشونت هستند و دست مایه اسلام سستیازان غرب و دستیاران «مسلمان» آنها است:

● ابتدا، او دولت امام زمانی بازرگان را منصوب و معرفی کرد اما بعدا با فشار برخی قدرت طلبان و سه مقصد معروف حکومت او را تحت فشار قرار داد و مجبور به استعفا کرد - در دوران او انقلاب دوم رخ داد و ایران به گروگان امریکا در آمد - جنگ به دنبال آن روی داد و کشور را هشت سال به کام نابودی کشاند و هزاران نفر را به دیار دیگر فرستاد و بیش از هزار میلیارد دلار خسارت به ایران وارد کرد و در نهایت با نوشیدن جام زهر، خمینی به آن پایان داد - برای کسب قدرت مطلق فرمان کودتا بر علیه اولین رئیس جمهور را صادر و چوبه های دار را برای اعدام یاران بنی صدر و مبارزان بر پا نمود و در سال شصت بعد از کودتا هزاران نفر را به اعدام محکوم کرد - در روزهای پایان عمر به دسیسه یاران و فرزندش آیت الله منتظری را تحت فشار قرار داده و از مقام قائم مقامی برکنار کرد و برای رهایی از مشکلات بعد از مرگ او، فرمان اعدام هزاران نفر از زندانیان را از وی دریافت کردند.

در رژیم او، در سطح جهان، از رهگذر تقدیس خشونت، اسلام بیان خشونت گشت. افتضاح های بین المللی اکتبر سورپرایز و ایران گیت از پرده بیرون افتادند. ترورها در ایران و بیرون از ایران، بر اعدامها افزوده شدند. وزیر دفاع انگلستان گفت جنگ در سود انگلستان و غرب بوده و اسباب ایجاد و ادامه اش را فراهم کرده ایم. سندهای رسمی بر نقش امریکا و انگلیس در حمله عراق به ایران و ادامه جنگ انتشار یافتند و مسلم گشت که عراق در چهارمین ماه جنگ شکست خود را پذیرفته بوده و برای ایران، امکان پایان دادن به جنگ، از موضع پیروز وجود داشته است. باز معلوم شد که اسامی ۱۰۰۰ «مبانه رو» در اختیار امریکائیان قرار گرفته و قرار دهندگان، یعنی آنها که



## بغداد، مسکو و بعد...؟

من و گفت پدرم (مصطفی خمینی که در نجف درگذشت) می‌گفت: خدا نکند که شاه برود و پدرم (خمینی) مصدر قدرت بشود. او صد بار از شاه بدتر است. من همیشه دعا می‌کنم بجای شاه ما زمامدار نشویم. این پدری که من می‌شناسم بسیار بیشتر از شاه آدم خواهد کشت. گفتم: این را چرا روز اول نگفتی؟ حالا که دیگر آخر کاره چرا می‌گی؟ اگر روز اول گفته بودی، حواس ما به این آقا جمع می‌شد. (بنی صدر، درس تجربه ص ۱۳۳ و خیانت به امید، ص ۱۸۳)

● آیت الله پسندیده در دوران خود او مورد غضب قرار گرفت تا جایی که مجبور به انتشار نامه‌ای به پیرادر خود شد و در آن نامه نوشت: «... آیا این ناله‌ها را شما می‌شنوید؟ روزی که آن سید بیچاره [بنی صدر] را که فقط قصد خدمت داشت و خود شما صد بار گفته بودید که از فرزند به من نزدیکتر است، با آن افتضاح از ریاست جمهوری خلع کردند و یک بدبخت بدعافت را که اداره یک کاروانسرا هم از عهده‌اش بر نمی‌آمد به ریاست جمهوری این مملکت بزرگ و معتبر تعیین کردند، به شما گفتم این شیاطین قصد دیگری دارند و می‌خواهند از این عروسک برای اجرای مقاصد خود استفاده کنند.

روزی که دستور دادید همه صندوق‌ها را به نام علی آقا خامنه‌ای باز کنند، من و دو سه آدم دلسوز که حداقل یکیشان، یعنی شیخ علی آقا نهرانی بیست سال شاگرد خاص و مورد محبت شما بود، به شما نوشیم که این انتخاب ایران را بر باد میدهند، گوش نکردید و حالا می‌بینید آنچه نباید می‌دیدید.

بیش از ۳ ماه است بنده برای دیدن شما وقت خواسته‌ام ولی دفتر شما مرتب می‌گویند وقت ندارید. آن وقت هر روز ملاقی فلان ده و دادستان بهمان قصبه را به حضور می‌پذیرید. چون لایذ به جز مدح و ثنا نمی‌گویند و بدیختانه شاید چون خداوند تبارک به من لسان مداحی نداده حتی باید از برادر خود محروم بهمان حال روزنامه‌ها یک روز یک شیخ را آیت الله العظمی می‌کنند دیگری را افقه الفقها. آن شیخ کیلانی جلاد آیت الله می‌شود و دسته دسته نقه الاسلام و حجه الاسلام از کارخانه حکومتی بیرون می‌آید. اسمش را هم گذاشته‌اند حکومت جمهوری اسلامی و مسروید که حکم خدا را در زمین اجرا کرده‌اید؟ خوشا به سعادت آنها که همان روزهای نخست رفتند و این روزها را ندیدند. من نیز دیر و زود می‌روم. تنها، وحشتم برای شماست. (۱۵ مرداد ۱۳۶۲ مطابق با ۲۵ شوال ۱۴۰۳ قمری)

● سید احمد خمینی که مخزن اسرار خمینی محسوب می‌شد به دلیل انتقاد از شرایط موجود به دستور سید علی خامنه‌ای و تأیید مصباح زیدی و آیه‌تالله خوشوقت و برخی دیگر از مفتیان از سوی سعید امامی و باند جایتکار وی به قتل رسید. رد پای خود سید احمد خمینی در نامه‌هایی که به آقای خمینی در مورد اعدام زندانیان سیاسی و برکناری آیت الله منتظری به خوبی روشن است و همین اعمال بود که حال خانواده و فرزندانش به بلایای قدرت ولی فقیه مطلقه گرفتار شده اند.

● بنی صدر در نامه‌ای استثنایی به احمد خمینی نشان داد که در پشت پرده نیز به شدت برای پابرجا ماندن آزادی‌ها تلاش می‌کند. او در این نامه که به صراحت تمام نوشته شده است، گفت:

"بیانید برای رضای خدا اقلان نسبت [به] یکی از قول و قرارهایی که در زمان شاه میدادیم، وفا کنیم. ایجاد خفقان در این اوضاع خطرناک است و فراهم آوردن مقدمات سقوط است. باور کنید اینطور است. بگذارید مطالب آزادانه گفته و نوشته شوند... مخالفان به کنار، خودی‌ها نیز سانسور می‌شوند. آیا به ابعاد انفجار اندیشیده‌اید؟ حالا وقت خفه کردن روزنامه‌ها و به آن حال فلاکت انداختن رادیو و تلویزیون نیست... هیچ فکر کرده‌اید در کشوری که دستگاه قضائی سلب کننده امنیت‌هاست و روزنامه‌ها خفه‌اند و صنعتش خوابیده و کشاورزش از بین رفته و گرفتار جنگ داخلی و خارجی و حکومت نادانان شده است، به سقوط فاصله‌ی بسیار کوتاه دارد؟ اقلان باندازه رژیم شاه از خود هشیاری بخرج بدهیم... از امام بخواهید نسبت به آزادی مطبوعات در همان حدود قانون اساسی تأکید کنند. یک کلام امام می‌گوید و اینها می‌افتند بجان مردم. رئیس جمهوری را تهدید به عزل می‌کنند، به روزنامه‌ها چماق‌دار می‌فرستند، برای میزان مصرف آب و برق مردم مجازات معین می‌کنند، بگیر و ببند راه می‌اندازند و... واقعاً به کجا می‌رویم؟ چه چیز از ایران مانده است؟ چه چیز از اسلام مانده است؟"

● در سال قبل، بنی صدر در نامه به احمد خمینی خطر سانسور مطبوعات را گوشزد کرد اما او و پدرش روزنامه‌ها را بستند تا این که به دستور سید علی خامنه‌ای، او به قتل رسید. در خارج از کشور، نشریه انقلاب اسلامی ماجرای قتل او را انتشار داد. اما در داخل کشور، هیچ نشریه‌ای و هیچ قاضی‌ای لب به پرسش از چرائی مرگ او نگشود. تا زمان آن شد که امکان پرسش پدید آمد و عمادالدین باقی از قول دادستان نظامی گفت که سید احمد خمینی را کشته اند.

● همسر خمینی در روزهای آخر عمر، به دلیل فشارهای وارده، همواره از بیت سید علی خامنه‌ای و حاکمیت انتقاد می‌کرد ولی اجل به او مهلت نداد که در این مورد سخنی بگوید البته شاید گفته باشد اما سانسور حاکم و ترس بیت خمینی، مانع از انتشار آن شده باشد.

● سید حسن خمینی نوه روح الله خمینی و فرزند سید احمد و داماد موسوی بجنوردی آنچنان تحت فشار قرار گرفت که حتی فامیل وی را از خمینی به مصطفوی تغییر داده و او را فریب خورده و نادان خواندند. در برخی مجامع علیه وی شعار داده و سخنرانی وی را بر هم می‌زدند و هم اکنون نیز در شرایط کاملاً تحت نظر و تحت فشار قرار گرفته به گونه‌ای که بعد از جریان سالگرد خمینی در سال ۸۸ مادرش به فریادش رسید و نامه‌ای در آلود به مقامات نوشت تا قدری از فشار بر وی بکاهد. البته باید یادآور شد که پدر همسر او نیز تحت فشار قرار دارد.

● سید علی خمینی برادر سید حسن و داماد آیت الله شهرستانی نیز تحت فشار حاکمیت قرار دارد و برخی مواقع سخنان جعلی از قول وی منتشر می‌شود. او تکذیب می‌کند اما تکذیب او را منتشر نمی‌کنند. از دست او هیچ کاری بر نمی‌آید.

● برخی دیگر از نوه‌های خمینی نیز گرفتار رد صلاحیت - برکناری از کار - اخراج و یا تحت نظر قرار داشته و دارند. در حکومتی که پدر بزرگشان بانی آن بود به سختی روزگار می‌گذرانند.

● در ۲۸ اردیبهشت ۹۱، به گزارش "فعلین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، رژیم، در یک اعدام گروهی و قرون وسطایی در زندان مرکزی یزد ۱۶ زندانی که در میان آنها ۴ زن زندانی و ۵ شهروند افغانی بودند به دار آویخته

است. اجساد اعدام شدگان لحظاتی بعد به خانواده‌های آنها تحویل داده شد. ● در ۲۸ اردیبهشت ۹۱، به گزارش فارس به نقل از روابط عمومی دادگستری کرمانشاه، به موجب احکام جداگانه صادره از سوی دادگاه انقلاب شهرستان کنگاور، هفت تن از محکومان به نام‌های ر.ع به اتهام شرکت در حمل و نگهداری ۱۰۰ کیلوگرم مرفین و ۲۵۴ کیلوگرم تریاک، خ.ش به اتهام شرکت در حمل و نگهداری ۵۷ کیلوگرم تریاک برای بار دوم، م.ب به اتهام شرکت در حمل و نگهداری ۶۹ کیلوگرم تریاک برای بار دوم، ع.س به اتهام شرکت در حمل و نگهداری ۲ کیلو ۵۴۸ گرم مرفین، م.ص به اتهام شرکت در حمل و نگهداری مواد مخدر، م.خ به اتهام شرکت در حمل یک کیلو و ۵۲۹ گرم کراک و خانم ع.آ به جرم حمل و نگهداری ۲۷ کیلو گرم هروئین؛ در زندان مرکزی کرمانشاه به دار مجازات آویخته شده‌اند.

● در ۲۹ اردیبهشت ۹۱، به گزارش کانون مدافعان حقوق کارگر، محمد جراحی به همراه سه نفر دیگر از همسندانش در اعتراض به وضعیت نامناسب موجود در بند متادون و همچنین احکام غیر عادلانه در زندان تبریز دست به اعتصاب غذا زده‌اند.

● در ۳۰ اردیبهشت ۹۱، به گزارش "فعلین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، اعدام گروهی و ضد بشری ۷ زندانی از بندهای مختلف زندان لاکان رشت در پشت بهداری این زندان، انجام گرفته است.

● در ۳۰ اردیبهشت ۹۱، به گزارش هوانا، حکم قطعی سه سال و نیم حبس و هفتاد ضربه شلاق محمد غفاریان دانشجوی رشته مهندسی برق دانشگاه فردوسی مشهد به وی ابلاغ شد. این دانشجوی در حکم قطعی همانند حکم بدوی برای توهین به رهبر به یک سال حبس، برای اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دو سال حبس، برای اخلاق در نظم عمومی به شش ماه حبس و ۳۵ ضربه شلاق و برای توهین به رئیس جمهور به ۳۵ ضربه شلاق محکوم شده است. این در حالی است که در هنگام بازداشت و در جلسه بازپرسی تنها اتهام علیه امنیت ملی به وی تفهیم شده بود و اتهام توهین به رئیس جمهور حتی در جلسه دادگاه نیز مطرح نشده بود.

● در ۳۰ اردیبهشت ۹۱، به گزارش جرس، حکم یک سال حبس تعزیری برای ابوالفضل قدیانی به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق نوشتن نامه به رهبری در حالی که آذر ماه سال گذشته، حکم یک سال او تمام شده بود اما همچنان در زندان نگهداری می‌شد، به اجرا گذاشته شد.

● در ۳۱ اردیبهشت ۹۱، به گزارش هوانا، طبق حکم دادگاه انقلاب سمنان به ریاست قاضی عین‌الکمال، انیسا فانیان شهروند بهایی شهر مزبور به اتهام تبلیغ و اعتقاد به آئین بهایی به ۴ سال و ۴ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

● در ۳۱ اردیبهشت ۹۱، به گزارش ایلنا: در حالی که سرو صدای ناشی از صدور حکم شلاق برای محمود شکرایه به دلیل ترسیم کاریکاتور نماینده اراک هنوز پایان نیافته است شعبه دوم دادگاه کیفری استان مرکزی به ریاست قاضی عدالتخواه حکم به ۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی بدل از ۷۰ ضربه شلاق تعزیری برای مقاله و کاریکاتور ترسیمی در صفحه اول شماره ۳۹۲ هفته نامه "نامه امیر" را صادر کرد.

در صفحه ۱۵

## اعدامها روز افزون، دانشجویان و زنان و کارگران قربانیان تجاوزها به حقوق انسان:

● در ۲۶ اردیبهشت ۹۱، به گزارش فیس بوک حامد زمانی، حامد زمانی یکی از خوانندگان جوان، جایزه‌ای را برای مجری حکم اعدام فرد هتاک تعیین کرد. او در صفحه فیس بوک خود نوشت برای جلوگیری از رواج اهانت به اهل بیت پیامبر به هر کس مجری اعدام شاهین تحفی گردد مبلغ ده میلیون تومان هدیه پرداخت می‌نماید.

● در ۲۶ اردیبهشت ۹۱، به گزارش ایسنا: «علی جمالی فشی» که به عنوان عامل ترور شهید علی محمدی شناسایی و دستگیر شده بود، در محوطه داخلی زندان اوین اعدام شد.

● در ۲۷ اردیبهشت ۹۱، احمد رضا فرشید یزدانی با بیان اینکه بر اساس آمارهای حاصل از آخرین سرشماری رسمی کشور بیش از ۳،۵ میلیون کودک خارج از چرخه تحصیل قرار دارند، اظهار کرد: این رقم با توجه به منابع موجود کشور رقم بسیار نامطلوبی است. وی افزود: خارج ماندن این کودکان از چرخه تحصیل در کودکی استمرار فقر آنها در بزرگسالی را موجب می‌شود.

● در ۲۷ اردیبهشت ۹۱، احمد رضا احمد پور روحانی منتقد و وبلاگ نویس و از اعضای جبهه مشارکت که در آخرین محکومیت خود در سال ۹۰ به سه سال حبس تبعیدی در زندان سپیدار اهواز و ده سال تبعید در شهر ایذه محکوم شده بود به علت شرایط بحرانی خود به دلیل بیماری دست به اعتصاب غذای نامحدود تا رسیدن به خواسته‌های خود زده است.

● در ۲۸ اردیبهشت ۹۱، به گزارش سه قاچاقچی و سوداگر مرگ در محوطه زندان مرکزی اردبیل اعدام شدند. این حکم پس از تأیید در دادگستری کل استان اردبیل و قوه قضائیه و پیرو اعدام‌های گذشته قاچاقچیان مواد مخدر در اردبیل به اجرا گذاشته شد.











## اسلام، محل عقده گشائی روانشناسی دشمنی با اسلام و مسلمانان در غرب (۲)

داده اند. هایت مایر در مورد حاصل تاکنونی پژوهشهای خویش، اینگونه میگوید:

"ما (در تحقیقات خویش) باین نتیجه رسیدیم که مواضع مسئله برانگیز شکل ضدیت با اقلیتهای دینی و اجتماعی در میان مردم، فقط مربوط به یک گروه اجتماعی خاص، برای مثال غریبه ها و یا همجنس بازان، نیست. بلکه بیش از هر چیز یک نمونه پایه ای Grundmuster از تحقیر و بی ارزش کردن، و تبعیض قائل شدن نسبت به گروههای گوناگون اجتماعی وجود دارد. این نمونه پایه ای میتواند در زبان عوامفریبی، همچنین از یک گروه به گروه اجتماعی دیگری انتقال یابد..." (۴)

هایت مایر در واقع همان چیزی را میگوید که در خلاصه محتوای نوشته ولفگانگ بنز در بالا مطالعه کردیم. ولفگانگ بنز نیز در مقاله خود با آوردن دلائل و اسناد تاریخی سعی در فهماندن این امر میکند که "ابزار و روشهای کاملا شبیه بهم" در دشمنی ورزیدن نسبت به یک اقلیت قومی و یا مذهبی وجود دارند. در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، یهودیان موضوع دشمنی و مقصر تمامی مشکلات و مسائل جامعه اروپائی بشمار میآمدند. حال این نقش را به مسلمانان منتقل کرده اند. در حقیقت "نمونه پایه ای" از تحقیر کردنها و بی ارزش قلمداد نمودن آنها که به تبعیض قائل شدن منجر میشوند، (حاصل تحقیقات هایت مایر و همکارانش)، در حال حاضر از قوم یهود به دین و فرهنگ مسلمانان، انتقال یافته است.

عالمان علوم اجتماعی که در اطراف هایت مایر گرد آمده اند، در سال ۲۰۰۶ تحقیقاتی در علوم اجتماعی پیرامون "وحشت از اسلام" Islamophobia را بطور وسیع و گسترده ای در آلمان بعمل آوردند. آنها معضل دشمنی با اسلام و مسلمانان در سراسر آلمان را در جلد ششم "وضعیت آلمان"، زیر نظر ناشر آن، هایت مایر، انتشار دادند. این پژوهشها در دو جامعه شناس آلمانی، بنامهای Leibold و Kühnel بعمل آوردند. آنها بقصد سنجیدن افکار عمومی آلمانیها پیرامون وحشت از اسلام، تحقیق خویش را در چهار چوب پرسشنامه هایی برنامہ ریزی کردند. جامعه شناسان فوق این پرسشنامه ها را تحت عناوین ذیل تنظیم و فهرست کرده بودند: (۵)

"رد و امتناع عمومی از تماس گرفتن و معاشرت با مسلمانان، خصومت و دشمنی علنی نسبت به آنها، تحقیر فرهنگ اسلام، همراه با استهزاء مراسم و مناسک دینی آنان و بالاخره، پندار و گفتار و کرداری بقصد ایجاد وحشت از اسلام و مسلمانان."

این محققین نتیجه عمومی تحقیقات خویش را اینگونه توصیف کردند:

"دشمنی با دین و فرهنگ اسلام، همراه با پدیده های اجتماعی دیگری مثل نژاد پرستی، وحشت از غریبه ها، Xenophobia و یا ضد یهودی گری Antisemitismus، تماماً مجموعه ای از علائم Syndrom دشمنی با انسان را تشکیل میدهند." آنها مینویسند: "نتیجه تحقیقات ما ثابت کردند، دشمنی با اسلام و مسلمانان در مواضع عمومی بشكل تحقیر اشخاص مسلمان و تمامی شاخه های مذهبی اسلام، همراه با استهزاء سمبولها، و مراسم و مناسک اسلامی، خود را بیان میکند."

نتیجه سنجش افکار بالا سبب گردید، بعضی از نظریه پردازان علوم اجتماعی در آلمان، ایجاد و شیوع وحشت از اسلام و مسلمانان را بمثابة "نژاد پرستی بدون نژاد" نام گذاری کنند. شرح خلاصه دلائل این نامگذاری را آنها اینگونه توصیف میکنند:

نژاد پرستان انسانها را بر مبنای، رایسیسم زیست شناسی biologischen Rassismus یعنی بر اساس رنگ پوست و یا شکل مجسمه مغز، تقسیم بندی میکنند. به بعضی نژادها تقدم و برتری میدهند و بعضی دیگر را پست و زبون شمرده، آنها را خوار و تحقیر میکنند. در این شیوه نگرش به انسان، نژادهای پست و حقیر شده، طرد و نفی، و گاهی نیز حذف میشوند. این روش و نگرش ساهاست که در غرب شدت و بطور گسترده ای رد و سرزنش میشود. حال در زمان کنونی بر خلاف روش نژاد پرستی از مد افتاده در غرب، بتازگی نگرش جدیدی با همان روشها و شیوه های قدیمی پیدا شده که انسانها را نه بر مبنای بیولوژیکی آنها، بلکه بنا بر اساس فرهنگ و ریشه های فرهنگی که در آن تولد یافته و بزرگ شده اند، تقسیم بندی میکنند. بعضی از فرهنگها تقدم و ارتقاء یافته، برتری و بها می یابند، بعضی دیگر تنزل کرده و بی ارزش شمرده میشوند. در این مد و شیوه نو از ستیز و دشمنی با انسان، فرهنگ همان جا و مقام و ارزشی را یافته است که در گذشته نژاد پرستان به طبیعت میدادند.

حاصل برداشت فوق اینستکه: نوع تازه و جدیدی از طبقه بندی و رده بندی انسانها، بعضی را بر بعضی دیگر برتر و بهتر قلمداد نمودن، بوجود آمده است. بر اساس این طبقه بندی نو، تفاوتها و تنوعات فرهنگی موجود در جهان، هم طرد و رد و خوار شمرده میشوند و هم این فرهنگها، کاملاً شبیه به پدیده های زیست شناسی، غیر قابل تغییر، همیشگی و ابدی تلقی میگردند. صاحب نظران محقق در علوم اجتماعی این برداشت را "نژاد پرستی نوین" Neorassismus مینامند.

"جنگ تمدنها"، اثر فوکویاما و یا "هجوم فرهنگی غرب" ورد زبان علی خامنه ای در ایران، در حقیقت پرده هائی از عوام فریبی

هستند که با آن دو جبهه ظاهراً مخالف با یکدیگر، "نژاد پرستی نوین" خویش را بکمک توجیه "علمی" و یا "سیاسی" می پوشانند. (به این امر در نوشته بعدی تحت عنوان "روابط آرگانیک اسلام ستیزان و اسلامیتها" بطور مفصل خواهیم پرداخت). در اینجا تنها میتوان گفت که پایه و اساس بی بها کردن دین و فرهنگ اسلام و دشمنی ورزیدن با آن در غرب، و یا فرهنگ غرب را فرهنگی "تجاوز گر و مهاجم" خواندن خامنه ای و دیگر اسلامیتها در کشورهای اسلامی، بدرستی نژاد پرستی نوینی شبیه به همان نژاد پرستی قدیم اروپائیان و با همان سوابق "درخشان" در فساد و جنایت و ویرانگری است.

حال باستی به هموطنان "منتقد اسلام" خودمان و به آنهایی که نمیدانند، این حقیقت علمی را گوشزد کنیم:

"... هر فرهنگ، امکانهای انسانهایی را که آنرا ساخته اند و میسازند، گسترده تر میکند. فرهنگها به حکم حقوق که ذاتی حیات هستند، مشترکات بنیادی دارند و این مشترکات فرهنگ جهانی را پدید میآورند. بدین قرار فرهنگ زندان نیست و فرهنگها در ستیز (با یکدیگر نیز) نیستند تا به تعدادشان زندانهای تو در تو در وجود آیند و انسانها هویت زندانی را پیدا کنند که به حبس ابد محکومند و هرگز راه رهایی ندارند..." (۶)

در حقیقت آنهاهیکه ادعاء میکنند: "تمام بدبختی ما ایرانیها از اسلام میاید، چرا که ما مسلمانی و اساس و بنیاد دین اسلام نیز استبدادی است. چرا که خمینی و خامنه ای و مصباح یزدی مستبد هستند. در اینصورت تا زمانیکه ما اسلام را رها و طرد نکنیم، صاحب مردم سالاری و حقوق و منزلت انسانی نخواهیم شد."

صاحبان این نظر، نه تنها از حقیقت دین و فرهنگ اسلام اطلاعی ندارند، بلکه معنای حقیقی فرهنگ و ساز و کارهای آنرا نیز نمیشناسند. آنچه را نژاد پرستان نوین در غرب به دین و فرهنگ اسلام و در شرق خامنه ای به فرهنگ غرب نسبت میدهند، شما ایرانیان تگویی و تکرار نکنید. این تنها نفی دین اسلام و یا غرب نیست، این نفی فرهنگها و در واقع هویت خودتان است. با طناب ساخت دیگران، خویشان را در چاه اغتشاش هویت نیندازید و آشفته و حیران نکنید.

در این نوشته فرصت نداشتیم، در نوشته بعدی به "روابط آرگانیک اسلام ستیزان و اسلامیتها" خواهیم پرداخت.

منابع و ماخذها:

- ۱- خلاصه دو سر مقاله از نشریه انقلاب اسلامی، بقلم: ابوالحسن بنی صدر، تحت عنوان "فکر جمعی جبار". لطفا جهت اطلاع بیشتر به آرشیو الکترونیکی نشریه "انقلاب اسلامی در هجرت" مراجعه کنید.
- 2- Bilanz und „Islamkritik“: Antisemitismus und Perspektive; Metropol Verlag, Berlin 2011
- 3- Wolfgang Benz: Antisemiten und Islamfeinde. Hetzer mit Parallelen. In: Süddeutsche Zeitung; 4. Januar 2010
- 4- Wertschätzung; Grundmuster der Abwertung: Interview mit Wilhelm Heitmeyer über sein Projekt „Gruppenbezogene Menschenfeindlichkeit“. Von: (Forschung); Rassismus-Antisemitismus.
- 5- Hrsg. Wilhelm Heitmeyer: Deutsche Zustände, Folge 6. Suhrkamp Verlag; Frankfurt a. M. 2007
- ۶- نگاه کنید به کتاب: "انسان، حق، قضاوت و حقوق انسان در قرآن" بقلم: ابوالحسن بنی صدر: بخش "حقوق و فرهنگ و مردمسالاری و هویت؟" ص ۱۲۰. بعدد انتشارات انقلاب اسلامی. تاریخ سومین انتشار: آبان ماه ۱۳۸۳

## بغداد ، مسکو و بعد...؟

◀ در ۱ خرداد ۹۱، به گزارش هرانا، فریبزر رئیس دانا، استاد سابق دانشگاه و تحلیلگر اقتصادی که سال ۸۹ در پی انتقاد از طرح حذف یارانه ها بازداشت و سال گذشته به یکسال حبس محکوم شده بود، در پی قطعی شدن حکمش صبح امروز با مراجعه ماموران امنیتی به منزلش بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.

◀ در ۱ خرداد ۹۱، به گزارش مهر، حکم اعدام ۱۴ قاچاقچی عمده مواد مخدر سحرگاه اجرا شد. در این گزارش ادعا شده رسیدگی به اتهامات این افراد با حضور و کلاهی آنان انجام شد و بنا به آرای صادره، تمامی اموال محکومان یاد شده که از محل قاچاق مواد مخدر تهیه شده بود، به حکم دادگاه مصادره گردید.

◀ در ۱ خرداد ۹۱، به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، منصور رادپور زندانی سیاسی ۱ خرداد ماه لحظاتی قبل از ساعت ۱۷ در زندان گوهر دشت جان باخت.

پزشک زندان شخصا در سالن ۱۲ بند ۴ حاضر شده و علت مرگ را سگته مغزی در اثر فشار عصبی تشخیص داد.

زندانی سیاسی منصور رادپور ۴۱ ساله در سال ۱۳۸۷ در جاده چالوس در گلریزانی به مناسبت روز جهانی کارگر توسط ماموران واواک

بازداشت و به مدت ۲۵ روز در خانه های امن واواک تحت شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفت در اثر این شکنجه ها کتف و دنده های او به شدت دچار آسیب دیدگی شدند. وی هیچ گاه مورد درمان قرار نگرفت.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، به گزارش هرانا، گزارش ها از شهر ارومیه، حاکی از برخورد پلیس با تجمع عده ای از مردم در اعتراض به وضعیت دریاچه ارومیه و دستگیری تعدادی از معترضان است. این تجمعات در شرایطی انجام شده که فرمانداری ارومیه در اطلاعیه ای صدور مجوز برای برگزاری تظاهرات را رد کرده و برگزاری هرگونه گردهم آیی در این روز را غیرقانونی دانسته است.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از معلمان پیش دبستانی بار دیگر مقابل مجلس تجمع کردند بر اساس این گزارش معلمان پیش دبستانی خواستار حمایت نمایندگان از آنان و دفاع از حقوقشان شدند.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، به گزارش ایسنا، رئیس پلیس فضای تولید و تبادل استان کیش از دستگیری فردی خبر داد که با راه اندازی سایتی، به مقامات کشوری توهین می کرد.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، به گزارش هرانا، امیر سیف از سوی دادگاه انقلاب تهران (شعبه خیابان معلم) به اتهام "توهین به مقامات نظام" و "اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمعات غیر قانونی" به ۵ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، به گزارش روابط عمومی دادگستری فارس، سه زندانی به جرم حمل و نگهداری مقادیر عمده مواد مخدر شامل هروئین و کراک در دادگاه انقلاب شیراز، نرین و زرین دشت از سوی مراجع قضایی به اعدام محکوم شده بودند. احکام صادره برای این قاچاقچیان پس از طی مراحل قانونی و تأیید از سوی دادستان کل کشور امروز در محل زندان عادل آباد شیراز به اجرا درآمد.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، به گزارش دانشجویان، در پی تجمع صنفی دانشجویان دانشگاه مازندران در اعتراض به اهمال مسئولین دانشگاه و در گذشت منصور فیروزی، دانشجوی کارشناسی ارشد، چهار تن از دانشجویان این دانشگاه به نامهای ابوالفضل گرمایی، راستین اعلمی، پوریا خالقی و مبین رستمیان بازداشت شدند.

◀ در ۳ خرداد ۹۱، به گزارش جرس، هفته گذشته در پی مراجعه وکیل ابوالفضل قدیانی به دادسرا برای پیگیری وضعیت موکل خود، حکم یکسال حبس تعزیری این مبارز انقلابی در بند بطور شفاهی به وی ابلاغ می گردد. این در حالی است که طی سه سال گذشته سه پرونده برای ابوالفضل قدیانی تشکیل شده و در مجموع به پنج سال حبس تعزیری محکوم شده است که یکسال حکم پرونده اول در چهارم آذر ماه به پایان رسیده است اما از آن زمان تاکنون به شکل غیرقانونی در زندان نگهداری می شود.

◀ در ۲ خرداد ۹۱، سازمان عفو بین المللی، گزارش سالانه خویش را انتشار داد. آن بخشی از گزارش که به ایران مربوط می شود، حکایت از تجاوز به همه حقوق بشر در ایران دارد: نبود آزادی بیان، نبود آزادی دینی، نبود آزادی تجمعات، همراه است با بود دستگیریهای خود سرانه، محاکمات ناقص حقوق انسان و بد رفتارها و شکنجه ها در زندانها و تبعیض های جنسی و قومی و مجازاتهای ظالمانه و...

◀ در ۴ خرداد ۹۱، به گزارش صبح امروز، شهرام امیری پژوهشگر و متخصص رادیو ایزوتوپ های پزشکی دانشگاه صنعتی مالک اشتر (وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح) که به اتهام «تماس و برقراری ارتباط مجرمانه با کشورهای متخاصم و اقدام علیه امنیت ملی و در اختیار گذاردن اطلاعات طبقه بندی شده به دشمن» بیش از ۲۰ ماه است که از سوی دادسرای نظامی تهران در بازداشت به سر می برد در هفته گذشته با حکم شعبه هفتم دادگاه نظامی تهران به ده سال زندان و پنج سال تبعید به شهرستان خاش محکوم شده است.

◀ در ۶ خرداد ۹۱، به گزارش ایلنا، فرسید یزدانی مددکار اجتماعی از نتایج تحقیقی در خصوص فراگیری بیماری ایدز در میان کودکان گار خبر داد که، حدود ۴/۵ درصد کودکان کار و خیابان به ویروس HIV آلوده هستند که این رقم ۴۵ برابر متوسط کشوری است و می تواند با شیوع این بیماری در میان زنان ویژه برابری کند.

◀ در ۶ خرداد ۹۱، به گزارش هرانا، روز شنبه ظهر مورخ ۶ خرداد ماه مامورین واواک به منزل خانم بسیمه کامجو فعال حقوق کودکان در قشم مراجعه کرده و بعد از توقیف وسایل او از قبیل کامپیوتر شخصی، لپ تاپ، کتاب، سی دی، دوربین عکاسی و... او را با خود بردند.

◀ در ۷ خرداد به گزارش هرانا، منیژه نجم عراقی، نویسنده، مترجم، فعال جنبش زنان و منشی منتخب کانون نویسندگان ایران در پی احضار به پلیس امنیت تهران، بازداشت و جهت اجرای حکم یکسال حبس تعزیری خود به زندان اوین منتقل شد.

◀ در ۷ خرداد ۹۱، به گزارش هرانا، ماموران امنیتی در کرج به یکی از جلسات «کلیسای ایران» در این شهر مراجعه کرده و ضمن توهین و ضرب و شتم، افرادی را بازداشت کردند.

◀ در ۸ خرداد ۹۱، به گزارش هرانا، "پویا تبیانان" شهروند بهایی ساکن سمنان از سوی دادگاه انقلاب این شهر به شش سال و شش ماه حبس محکوم شد.

◀ در ۸ خرداد ۹۱، به گزارش ایلنا، حدود ۵۰ نفر از کارگران مناطق هشت گانه شهرداری اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق سه ماه گذشته و همچنین سایر مطالبات صنفی شان در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

# انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز و مؤسس

ابوالحسن نبی صدر

## Enghelabe Eslami

Fondateur et responsable:  
Abolhassan Banisadr  
5, Rue General Pershing  
F - 78000 Versailles, FRANCE

eMail.: EEZ5760GOF@AOL.COM

http://www.enghelabe-islami.com

تالیسی و دبانی  
Enghelabe Eslami Zeitung  
Postfach 11 11 18  
60046 Frankfurt-Germany  
IBAN: DE87500502010000123026  
SWIFT-BIC.: HELADEF1822  
FRASPA - Germany  
Konto No.: 12 30 26  
BLZ.: 500 502 01

ارتباط از طریق کامپیوتر

1.5 EURO

اشتراک یک ساله: اروپا ۳۵ و خارج از اروپا ۳۸ اورو. اشتراک شش ماهه: اروپا ۱۸ و خارج از اروپا ۲۰ اورو و بلیت کتبی نخرید. وجه اشتراک را نقد و یا پست سفارشی یا بچ حساب بانک و ایزر فرمایند.

توجه! در ج مقالات، الزاماً دیدگاه نشریه انقلاب اسلامی و تبن بعنوان بحث آزادی و صرفاً با مکرر نظرات نویسندگان و منابع مندرج بوده. این نشریه در مقابل آنها هیچگونه مسئولیت محتوایی و حقوقی را ندارد.

توجه! نویسندگان محترمی که مقالاتی را برای نشریه انقلاب اسلامی ارسال نمودند اما در نشریه چاپ نشد، توجیه نمائید که چاپ مقالات آنها در صورتی خواهد بود که تا قبل از انتشار نشریه، در رسانه دیگری صورت الکترونیک و غیر آن نشر یافته باشد یا با اشکال

شماره ۸۰۳ ۱۵ تا ۲۸ خرداد ۱۳۹۱ 4-17 Juni 2012 S. 16 Nr.803

## مشکلها که جوانان با آنها رویارویند

این ۵ اصل پنج ارزش پایه هستند و وجدان اخلاقی در ارزیابی و نقد پندار و گفتار و کردار آدمی بکارشان می برد. بدین قرار، مجموعه ای از اصل راهنما و اصولی که ترجمان آند و انسان بکارشان می برد، همراه با روش تجربی، که هم خود نصیحت می پذیرد و هم کار انسان را نصیحت پذیر می گرداند و هدفهایی که باز ترجمان اصول راهنما هستند، همراه با حقوق ذاتی انسان و حقوق جامعه ملی و جامعه های دیگر و جانداران و طبیعت و برخوردار از مجموعه ای از ارزشهای اخلاقی که ترجمان موازنه عدلی هستند و به یمن وجودشان، وجدان اخلاقی پندار و گفتار و کردار آدمی را ارزیابی و نقد می کند، اندیشه راهنمایی را پدید می آورد که می توان بیان استقلال و آزادی و عقل آزاد، می تواند بی فایده نباشد.

۳/۱- چون عقل استقلال و آزادی خویش را بازجست، عادت به فعل پذیری و توجیه گری را ترک می کند. برای مثال، دانشجوی - در پرسش ها، پرسش کنندگان ناخودآگاه، بنا را بر فعل پذیری دانشجو گذاشته اند: استاد فعال و دانشجو فعل پذیر است - در خور این صفت، کسیست که استعداد دانش جونی خویش را فعال می کند. این او است که به جستجوی دانش برمی خیزد و بنوبه خود استاد را بر آن می دارد که راهنمای او در این جستجو باشد. هرگاه دو طرف روش پرسش و پاسخ را جانشین گفتن استاد و شنیدن دانشجو کنند و استاد، با تدریس، استعداد دانشجو را برانگیزد و او پرسش های علمی را بیابد و با استاد در میان بگذارد، دو طرف فعال می شوند و دانشگاه محل رشد دانش می گردد.

۴/۱- هرگاه یک فرد و یک جمع استقلال و آزادی را تمرین کنند، از سوتی الگو می شوند و از سوی دیگر، در برابر فردها و جمع های دیگری که قدرتمند هستند، اگر تن به بازگشتن به مدار بسته رابطه با قدرت ندهند و همچنان پندار و گفتار و کردار خویش را از زور خالی نگاه دارند، اگر هم طرف قدرتمند بر بکار بردن زور اصرار بورزد، مدار بسته بوجود نمی آید و زور زورگو بد و باز می گردد: اصل راهنما کردن موازنه عدلی همین است.

۵/۱- چون پندار و گفتار و کردار از زور خالی شدند، انسانها می توانند رابطه جدیدی میان حق و وظیفه و حقیقت و مصلحت و حق و مسئولیت، حق و سنت و آداب و رسوم و... برقرار کنند: ● چون روش عمل به هر حقی بکار بردن آن حق است، همان سان که روش دانشمند شدن آموختن دانش است، پس هر وظیفه و تکلیف بیرون از حق، حکم زور است و نباید به آن تن داد. ● مصلحت بیرون از حق، خود به فریاد می گوید حکم زور است. پس نه خود می باید مصلحت سنجید و جانشین حق کرد و نه تن به مصلحت هائی باید داد که قدرتمنداران می سنجند و انسانها را به بکار بردن آنها ناگزیر می کنند و یا خود به زیان صاحبان حقوق به اجرا می گذارند.

● هر صاحب حقی مسئول است و مسئولیت او عمل به حقوق خویش و رعایت حقوق دیگران و جانداران و اگر ضرور شد، دفاع از حقوق آنها است. بدین قرار، دانشجو نمی تواند به این عذر که استاد اهل تحقیق نیست و حق استادی را به جا نمی آورد، از مسئولیت دانشجویی خویش شانه خالی کند.

● عمل به سنتها و آداب و رسوم ناقض حقوق، عمل به حکم زور است. پس نباید به آنها عمل کرد. کارآمد ترین روشها که برخورد نیز پدید نمی آورد و به اعضای خانواده و به دیگرانی که در بند اطاعت از آداب و رسوم قدرت فرموده مانده اند، امکان می دهد، از غفلت از حقوق ذاتی خویش بدرایند، عمل به حقوق ذاتی خویش است. بدیهی است کار با خالی کردن پندار و گفتار و کردار از زور آغاز می گیرد و در جریان رشد، عقل و تن آدمی، بطور خودانگیخته، حقوق ذاتی دیگر را بکار می برند.

۶/۱- از ویژگی های دانش یکی شفاف بودن است. پس تدریس دانشی که شفاف نیست، تدریس دروغ است. دانشجو می باید از استاد بخواهد دانشی را که تدریس می کند، شفاف تدریس کند. اگر او تن به این کار نداد، مسئولیت دانشجو برجا می ماند و بر او است که در پی شفاف گرداندن آن بشود. این شفاف گردانی، بهترین کارآموزی است. در غرب، نظر و عمل، تا حدودی همراه هستند. با وجود این، ۶۰ سال آموختن و تجربه کردن را اینک در اختیار شما می گذارم و می گویم: کارآمد ترین کارآموزیها، شفاف گرداندن دانشی است که آدمی می آموزد. چرا که او را بر آن می دارد نه دستور (به خاطر سپردن درسی که استاد می دهد) که تجربه را روش کند و بدین روش، دانش را شفاف و از آن خود

کند. ۷/۱- در حل هر چهار مشکل و مشکلهای دیگر، روش کارآمد، جستن آن راه حلی است که صفت همگانی بیابد. برای مشکل همگانی نمی توان راه حل فردی جست. چرا که مشکل برجا می ماند و بزرگ تر و پیچیده تر نیز می شود. آنها هم که راه حل فردی می جویند (کار کاذب، رفتن از کشور، انطباق با آداب و رسوم و یا عصیان پنهانی، یعنی در صورت، به آداب و رسوم پایبندی نشان دادن و، در واقع و نهان، بر آنها شوریدن و شورش آشکار و...) همواره کسانی هستند که از برابر واقعیت گریخته اند و خود را از شهادت ذاتی مقابله با مشکلها و حل آنها غافل گردانده و به جبن فرار از برابر مشکل هربار که رخ نمود، محکوم کرده اند.

هرگاه بنا بر این شود که برای مسئله جمعی راه حل جمعی جستید، راه کارهای زیر بکاربردنی می شوند: ۲- راه کارها برای تغییر رابطه انسان و بنیادهای جامعه و مقدم بر همه، دولت:

اما چرا مقدم بر همه، می باید به دولت پرداخت، نخست بدین خاطر که در ایران، دولت در برگیرنده بنیادهای دینی و تعلیم و تربیتی و اقتصادی و سیاسی و هنری و فرهنگی است. تمامی ستون پایه های یک استبداد فراگیر را دارد و بزرگ ترین ویران کننده نیروهای محرکه جامعه است. سپس بدین لحاظ که، در ایران، این مردم هستند که به دولت وابسته اند و این دولت است که با تخریب نیروهای محرکه، در اندازه باز و تحول پذیر بودن جامعه، نقش اول را بازی می کند. بدین قرار، تغییر رابطه ملت با دولت، در واقع همان تغییر رابطه هر ایرانی با قدرت، به یمن برقرار کردن رابطه با استقلال و آزادی که ذاتی حیات او است. از این رو،

۱/۲- از ویژگی های رابطه انسان با قدرت، کاهش میزان خودانگیختگی، بنا بر این، با زوری و بیشتر شدن تمایل به مصرف در جامعه است. چریندن میل به مصرف بر میل به تولید - که در پرسش پیرامون مسائل چهارگانه خود را آشکارا نشان می دهد - سبب کاهش استقلال و آزادی اعضای جامعه ملی و جامعه ملی، خود نیز، می گردد. از آنجا که خلاء را همواره قدرت (= زور) پر می کند، شدت گرایش دولت به استبداد و نیز شدت وابستگی ملت به دولت، گویای اندازه غفلت جامعه و اعضایش از استقلال و آزادی است. از این رو، هیچ کار مهمتر از تبلیغ استقلال و آزادی بمعنای توجه دادن مردم کشور به این دو حق ذاتی انسان نیست. بدیهی است تبلیغ اندیشه راهنمایی که بیان استقلال و آزادی است، انقلاب بزرگ را که تغییر رابطه با قدرت به رابطه با استقلال و آزادی، بسیار آسان می کند. با وجود این، اگر هم نتوان بیان استقلال و آزادی را تبلیغ کرد، می توان دو حق استقلال و آزادی را که هر ایرانی و جامعه ایرانی دارند، تبلیغ کرد. بهترین کار، تمرین کردن و الگو شدن را با تبلیغ و هشدار دادن همراه کردن است.

۲/۲- از راه فایده تکرار، تکرار می کنم که چون تغییر کردن با تغییر دادن همراه است، پس ایرانیان با تغییر خود می باید مبارزه با جبر رژیم جبار را همراه کنند. یکی بدون دیگری، سبب رها کردن تغییر کردن و تغییر دادن می شود. هرگاه هنر را گشودن فضای جدید بر روی انسان تعریف کنیم، تغییر رابطه با قدرت به رابطه با استقلال و آزادی، آن هنر ناب می شود که انسان می تواند لحظه به لحظه زندگی خویش را هنرمند بزیاد و زیباترین هنرها را بیافریند.

۳/۲- آقای محمد پرشی کرده است که پاسخ آن، راه کاری از راه کارهای بنای جامعه ای با نظام اجتماعی باز و دولت حقوق مدار است. او پرسیده است:

۱- در بین مردم ایران اصطلاح "قسمت" بسیار رایج است. مثلاً فلانی قسمتش اینگونه بود. شما چه نظری دارید؟ آیا قبول دارید که "قسمت" هم تحریف و افسونی بیش نیست و همه چیز تحت سیطره خود انسان است؟ یا امور ماورایی و "قسمت" هم نقش فعالانه دارند؟ ۲- نظرتان نسبت به توکل چیست؟ آیا واقعاً نیروی ماورایی از جانب خداوند ما را همراهی می کند یا همه چیز دست خودمان است؟

عدالت تقدم تدبیر انسان بر تقدیر است. تقدم تقدیر بر تدبیر، جبرگرایی و ناسازگار با آن ویژگی ارزشمند ایرانی است که نفی جبر و پذیرفتن استقلال و آزادی انسان است. اگر امروز در بین مردم ایران «قسمت» و تقدیر رایج شده است، بخاطر بیگانگی از ایرانییت و اندیشه راهنما را بیان قدرتی کردن است که سالب دو حق ذاتی و غافل کننده انسانها از این دو است. این دو حق، به اراده مندی انسان تحقق می جویند. عمل به این دو حق، استقلال و آزادی. خدا باورانی که رابطه با خدا را رابطه استقلال

و آزادی نسبی که انسان را هستند، با استقلال و آزادی مطلق که خداوند است، می دانند، بر میزان عدالت، هم به معنای عمل به حقوق ذاتی و هم به معنای تقدم تدبیر انسان بر تقدیر خداوند می دانند و مسئولیت خویش را در غافل نشدن از استقلال و آزادی خویش و بسط پهنای آن تا این همانی جستن با هستی هوشمند، در مقام نمایندگی از خداوند در خلق، می شمارند. و آنها که خدا باور نیستند، هرگاه اندیشه راهنماییشان بیان قدرتی بر پایه جبر است، نیز، می توانند، تقدم تدبیر بر تقدیر را با عمل به دو حق ذاتی خویش، استقلال و آزادی، تجربه و تمرین کنند.

صد البته، اقتضای عدالت، تقدم تدبیر ایرانیان و جامعه آنان بر تقدیر دولت جبار می گردد. مشکلهای چهارگانه، با فریاد می گویند که جوانان ایران، خویشان را تابع تقدیر دولت جباران می دانند، رها کردن خویشان از این جبر، حتی در ذهن و بی آنکه به عمل درآید، زمینه ذهنی جامعه را برای آن تغییر آماده می کند که، بدان، جامعه از بند اعتیاد به اطاعت از قدرت رها می شود و بر استقرار جمهوری شهروندان، بنا بر این، دولت حقوقمدار توانا می گرداند.

در همین جا، به پرسش دوم آقای محمد پاسخ می نویسم: توکل به خداوند، همان رابطه بر قرار کردن حق نسبی با حق مطلق، به سخن دیگر، برقرار کردن رابطه میان استقلال و آزادی خود با استقلال و آزادی مطلق است که خداوند است. چنین توکلی به یقین تدبیر انسانی را فرین موفقیت می کند چرا که تدبیری که عقل در چنین استقلال و آزادی اتخاذ می کند، از دانش سرشار و از ظن خالی و برخوردار از ویژگی های دیگر حق است. و بنا بر قاعده، حق می آید و ناحق محکوم برفتن است.

۴/۲- جمهوری شهروندان را در هر سطح می توان بنا گذارد. هرگاه در خانواده ها این جمهوری تشکیل بگردد، یعنی این بار، زور در رابطه ها بی محل بگردد، چنانکه پندار و گفتار و کردار اعضای خانواده از زور نهدی و از حقوق ذاتی انسان پر گردند، رابطه ها میان آنها، رابطه های حق با حق می شوند. بسط واحدهای جمهوری شهروندان، دولت جبار را بی محل می کند. زیرا جامعه قلمروهای چنین دولتی را، بدون نیاز به بکار بردن خشونت، از دستش خارج می کند. آن جنبش همگانی آرمانی این جنبش است. با وجود این،

۵/۲- از آنجا که دانشگاهها و دبیرستانها (دانش آموزان سالهای پایانی دبیرستان)، مناسب ترین جایگاه های تشکیل جمهوری شهروندان هستند و از آنجا که این بخش از جوانان، بنا بر موقعیت خویش در جامعه، نیروی محرکه تغییر هستند، بی محل کردن خشونت در سطح مؤسسات آموزشی، کار خشونت زدانی در سطح جامعه را آسان می کند. در کاری دیگر، قواعد خشونت زدانی را تشریح کرده ام. در این جا و با توجه به مشکلهای چهارگانه، زدودن زوری را که جوهر هر چهار مشکل است، پیشنهاد می کنم. توضیح این که مبارزه با عوامل اعتیاد به مواد مخدر و مبارزه با طرز فکری که زن را در شیئی جنسی ناچیز می کند و یا موجود محکوم به «حفاظت» شدن می انگارد و فعال شدن دانشجویان در قلمرو دانش و همراه کردن آن با فعال شدن در قلمرو عمل به حقوق ذاتی و دفاع از حقوق ذاتی و بالاخره، ایجاد واحدهای جمهوری شهروندان با دوستان و تقویت همبستگی و حمایتهای گروهی از آنها که نیاز به حمایت در قلمروهای مختلف دارند، کار در خور نسل امروز است.

بهنگام بررسی جنبش همگانی، به روشهایی که می توان بکارشان برد، پرداخته ام. یکچند از روشهایی را که اینک پیشنهاد می کنم، در شمار آن روشها نیستند و می توان برآن روشها افزود. اما از آنجا که قدرت را نیز انسانها از رهگذر رابطه قوا با یکدیگر پدید می آورند و از خود وجودی ندارد، پس مشکلها را نیز انسانها می سازند. بر آنها است که راه حل آنها را نیز در خود بیابند: انسان برای زندگی در استقلال و آزادی و رشد در استقلال و آزادی آفریده شده است. این انسان اگر بخواهد در ایران، یکی از محلهای رویارویی قدرتهای جهان، بزید، می باید برخوردار از خصلت پهلوانی، یکی از والاترین ویژگی های ایرانیست و دیگر ویژگی های ایرانیست بگردد. آن عقل مستقل و آزادی و آن توانمندی را بجویند که همواره شورش، شورش بر جبر جباران، بماند. همان انسانی بگردد که حافظ زبان حال او شد:

چرخ برهم زخم از غیر مرادم چرخد  
من نه آنم که زبونی کشم از چرخ و فلک